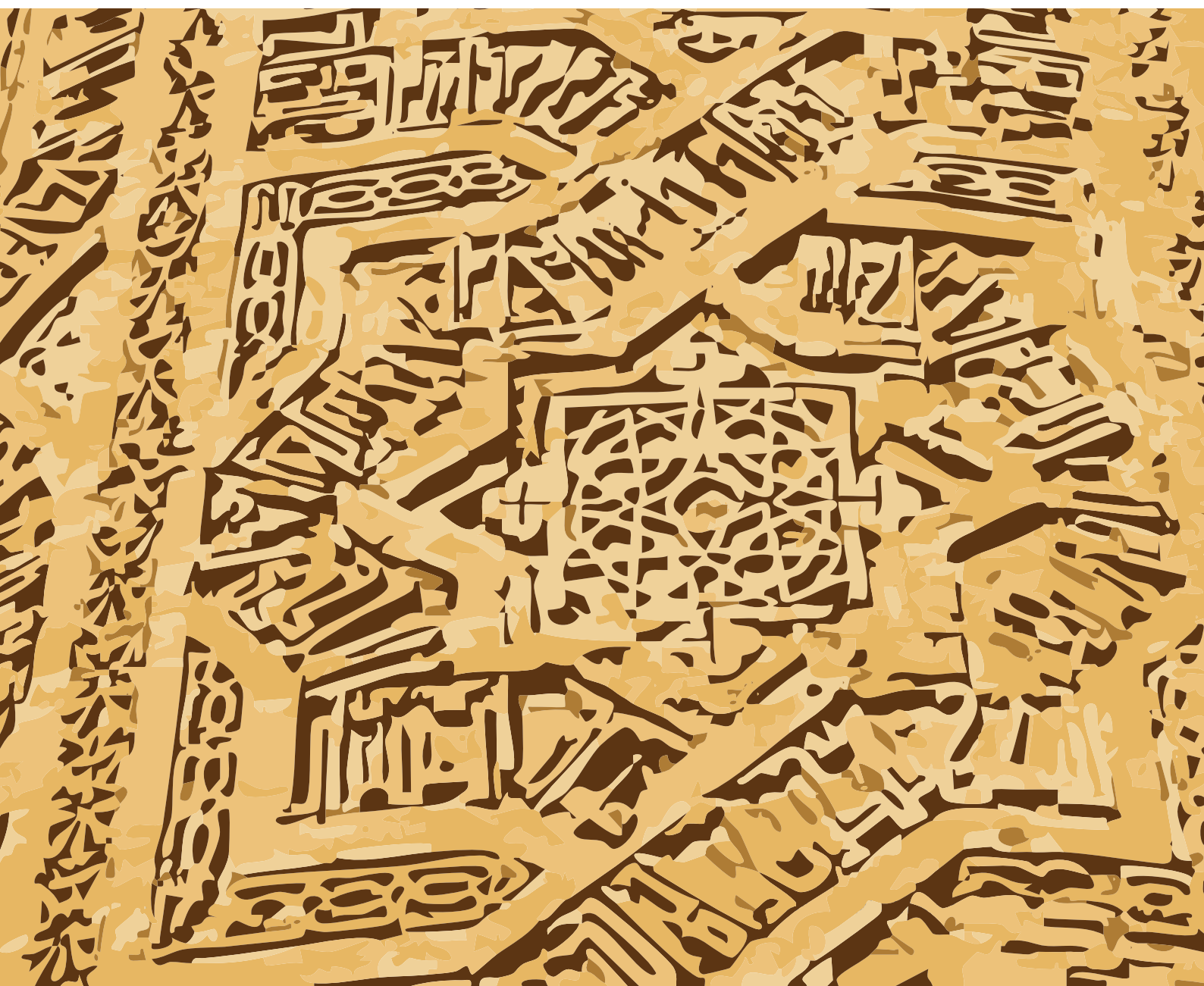


وضعیت حقوق بشری شیعیان اسماعیلی در افغانستان

دسمبر ۲۰۲۵



فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	روش تحقیق
۵	محدودیت‌های تحقیق
۶	چارچوب حقوقی
۶	الف- تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی
۶	ب- تعهدات دولت‌ها در مورد اقلیت‌های مذهبی
۷	• حمایت و تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی در قوانین ملی
۷	• اقدامات اجرایی و اداری
۸	ساختار قومی- اجتماعی اسماعیلیان در افغانستان
۸	بررسی و تحلیل یافته‌های گزارش
۹	حق تعیین سرنوشت
۹	الف) محرومیت از مشارکت سیاسی و حق کار
۹	• حذف سیستماتیک از قدرت و سطوح تصمیم‌گیری
۱۳	• خراج و محرومیت از حق کار به دلیل هویت مذهبی
۱۵	• پنهان‌سازی هویت یا تغییر مذهب برای حفظ شغل
۱۶	ب) حق تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها
۱۷	حق بر هویت مذهبی و آزادی ابراز آن
۱۸	ترس از ابراز هویت مذهبی
۲۰	تبعیض کلامی، نفرت‌پراکنی و تکفیر شیعیان اسماعیلی
۲۰	۱. نفرت‌پراکنی و ترویج علنی تکفیر
۲۳	۲. تبعیض کلامی و برچسب‌های تحقیرآمیز
۲۵	۳. امتناع از خوردن غذای اسماعیلیان
۲۶	حرام دانستن ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان
۲۷	ممنوعیت ازدواج و پیوند خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی
۲۹	فسخ اجباری ازدواج مردان اسماعیلی با زنان اهل سنت
۳۱	آزادی اجرای مناسک مذهبی
۳۴	اجبار به شرکت در مراسم عبادی دیگران
۳۶	اعمال محدودیت بر نهادهای آموزشی و اماکن عبادی
۳۷	غیر اسلامی خواندن عبادتگاه‌های اسماعیلیان

۳۸	اجبار به تغییر مذهب و آموزش فقه حنفی
۳۹	الف) آموزش اجباری فقه حنفی به کودکان اسماعیلی
۴۱	• تهدید، شکنجه و جریمه نقدی
۴۳	• تشویق به یادگیری فقه حنفی
۴۳	ب) اجبار اسماعیلیان به تغییر مذهب
۴۶	پیامدهای تغییر اجباری مذهب و آموزش کودکان اسماعیلی در مدارس دینی طالبان
۴۷	تهدید، ترس و نگرانی‌های امنیتی
۴۸	قتل‌های مشکوک و فراقضایی
۵۱	تبعیض مبتنی بر جنسیت و مذهب علیه زنان اسماعیلی
۵۵	بی‌جاشدگی اجباری و غصب ملکیت اسماعیلیان
۵۶	• بی‌جاشدگی اجباری
۵۷	• غصب ملکیت متعلق به اسماعیلیان
۵۹	محدودیت‌های دسترسی به عدالت
۶۲	نتیجه‌گیری
۶۳	پیشنهادهای

مقدمه

تحقیق حاضر به ارزیابی و تحلیل وضعیت حقوق بشری اقلیت مذهبی شیعیان اسماعیلی در افغانستان پس از بازگشت طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱ می‌پردازد. این تحقیق بر اساس مصاحبه‌های مستقیم با قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر از میان اعضای جامعه اسماعیلیه در داخل و بیرون از افغانستان، تدوین شده است. هدف اصلی، مستند سازی تجربیات و الگوهای برجسته نقض حقوق بشر، ارتقای آگاهی عمومی و حمایت از تلاش‌های دادخواهانه برای رسیدگی به نقض‌ها و مشکلات تجربه شده توسط اعضای این جامعه می‌باشد.

اطلاعات و شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که طالبان پس از بازگشت به قدرت، محدودیت‌های سازمان‌یافته و تبعیض‌آمیزی را بر زندگی پیروان این اقلیت مذهبی اعمال کرده و طی این مدت، مرتکب نقض حقوق بشر و آزار مذهبی سیستماتیک علیه آنان شده‌اند. چنانکه در جریان ۴ سال گذشته، اسماعیلیان افغانستان نه تنها به‌طور کامل از مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اداری و اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند؛ بلکه به‌صورت هدفمند برای تضعیف و سرکوب هویت مذهبی و فرهنگی آنان نیز اقدام شده است؛ وضعیتی که به‌طور مستقیم بر امنیت، کرامت انسانی و حقوق اساسی این گروه تأثیر گذاشته است.

هرچند آزار و تبعیض علیه جامعه اسماعیلیه در افغانستان، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دارد؛ اما یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که پس از بازگشت طالبان به قدرت، این تبعیض و آزار ماهیت سازمان‌یافته‌تر پیدا کرده و به تمامی عرصه‌های زندگی پیروان این اقلیت مذهبی گسترش یافته است.

اطلاعات بدست‌آمده هم‌چنان حاکی از آن است که طالبان در چهار سال گذشته، به‌ویژه در بخش‌های از ولایت بدخشان به تحمیل آموزش فقه حنفی بر کودکان اسماعیلی اقدام نموده و نیز از طریق تکفیر علنی، اعمال فشارهای سازمان‌یافته، ارباب، تهدید به قتل، بازداشت، شکنجه و دیگر روش‌های خشونت‌آمیز، اعضای این جامعه را به ترک مذهب اسماعیلیه و پذیرش مذهب سنی، وادار کرده‌اند. بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، در برخی از مناطق ولایت بدخشان افرادی که با انتقال فرزندان خود به مدارس دینی طالبان مخالفت کرده‌اند، با جریمه‌های نقدی، شکنجه و تهدید به قتل و آتش زدن خانه‌ها و اموال شان مواجه شده‌اند.

هم‌زمان، روایت‌های گردآوری‌شده در گزارش حاضر نشان می‌دهد که ترس از ابراز علنی هویت مذهبی در میان اعضای جامعه اسماعیلیه به دلیل افزایش تبلیغات منفی، تکفیر، تبعیض کلامی و نفرت‌پراکنی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر آزادی اجرای مناسک مذهبی، اجبار به حضور در مراسم مذهبی و عبادی دیگران، اخراج از ادارات دولتی و محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی به دلیل هویت مذهبی، ممنوعیت ازدواج و پیوند خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی، اعمال محدودیت بر فعالیت مراکز آموزشی و عبادتگاه‌ها، تهدید، قتل‌های فراقضایی، بیجاشدگی اجباری و غصب املاک و دارایی‌های متعلق به جامعه اسماعیلیه، از دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر می‌باشند که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

با این وصف، نتایج این تحقیق نشان داده است که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، جامعه اسماعیلیه در معرض مجموعه‌ای از نقض‌های جدی حقوق بشر و آزار مذهبی سیستماتیک قرار گرفته‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت تلقی شود.

انتظار می‌رود یافته‌ها، نتایج و پیشنهادات این تحقیق مورد توجه جدی مقامات حاکم و مراجع ذیربط بین‌المللی قرار گرفته و مبنایی برای طرح و اجرای اقدامات فوری، مؤثر و هدفمند برای تضمین صیانت از موجودیت این جامعه، حفاظت از هویت فرهنگی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی آنان گردد.

روش تحقیق

در این تحقیق، با ۲۵ نفر به‌شمول ۵ زن از قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه اسماعیلیه در افغانستان، به‌صورت آنلاین و مستقیم، مصاحبه انجام شده است. مصاحبه‌شوندگان طیف وسیعی از تنوع جغرافیایی، اجتماعی و سنی را انعکاس می‌دهند که بخشی از آن‌ها توسط تیم تحقیق و همکاران محلی رواداری شناسایی شده و شماری دیگر نیز از طریق مصاحبه‌شوندگان قبلی معرفی شده‌اند. مصاحبه‌ها در فاصله زمانی ۳ اکتبر تا ۲۰ نوامبر سال ۲۰۲۵، توسط محققان رواداری با استفاده از پرسش‌نامه یکسان و نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است.

با توجه به شواهد و گزارش‌های قبلی درباره وخامت وضعیت حقوق بشری اسماعیلیان در ولایت بدخشان، بخش عمده مصاحبه‌شوندگان این تحقیق به‌صورت هدفمند و به‌منظور مستندسازی موارد نقض حقوق بشر، از همین ولایت انتخاب شده‌اند؛ اما محتوای گزارش فراگیر بوده و وضعیت حقوق بشری این اقلیت مذهبی در سایر ولایات را نیز بررسی می‌کند. بنابراین، بخش دیگری از مصاحبه‌شوندگان از ولایت‌های کابل، پروان، بامیان، بلخ و بغلان می‌باشند که امکان بازتاب تجربیات متنوع در میان اعضای جامعه اسماعیلیه را فراهم می‌کند. دوره‌ی زمانی مورد بررسی این تحقیق، آگست ۲۰۲۱ تا دسامبر سال ۲۰۲۵ می‌باشد که بر تحولات اساسی مرتبط با وضعیت حقوق بشری شیعیان اسماعیلی تمرکز دارد.

مصاحبه‌ها به زبان فارسی انجام شده و هر مصاحبه بین یک و نیم تا دو ساعت را در بر گرفته است. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه‌ی شرکت‌کنندگان که بخش عمده آنان در خارج از افغانستان زندگی می‌کنند، صورت گرفته است. محققان رواداری پیش از آغاز هر مصاحبه، درباره اهداف تحقیق، تدابیر امنیتی و نحوه نگهداری و استفاده از اطلاعات با جزئیات برای مصاحبه‌شوندگان معلومات داده‌اند.

اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان، با استفاده از روش تحلیل کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مصاحبه‌ها با توجه به محتوای پرسشنامه و موضوعات کلیدی تحقیق، کد گذاری و دسته‌بندی شده‌اند. از این‌رو، آماری که در بخش‌های متعدد این گزارش مطرح می‌گردد، به‌منظور شناسایی تخلفات عمده و مستندسازی الگوهای نقض حقوق بشر می‌باشد نه تعمیم دادن آن به همه اعضای این اقلیت مذهبی.

محدودیت‌های تحقیق

رواداری در جریان این تحقیق، به ۵۳ نفر از اعضای جامعه اسماعیلیه از جمله قربانیان و بستگان آنان، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر مراجعه کرده است؛ که از این میان ۲۸ نفر آن‌ها تمایلی به مشارکت در مصاحبه نشان ندادند. در این میان، به رغم تلاش‌های فراوان، امکان مصاحبه با افرادی که تحت اجبار و فشار، مذهب خود را تغییر داده‌اند، فراهم نشد. زیرا مطابق با اطلاعات بدست‌آمده، این افراد به‌طور مستمر تحت نظارت طالبان قرار دارند و به همین دلیل آنان می‌ترسند و از هرگونه ابراز نظر خودداری می‌کنند. علاوه‌براین، محدودیت در دسترسی به خدمات اینترنتی در روستاها و مناطق دور افتاده از دیگر چالش‌هایی بوده که مانع دسترسی به قربانیان و افراد بیشتر شده است.

از سوی دیگر، برخی از افرادی که رواداری با آنان صحبت کرده، گفته‌اند که اطلاع‌رسانی درباره وضعیت کنونی جامعه اسماعیلیه در افغانستان، بر عهده مراجع مذهبی آنان است. به گفته‌ی این افراد، مراجع یاد شده هم‌چنان به پیروان خود توصیه کرده که برای جلوگیری از به خطر افتادن سایر اعضای جامعه، از اعتراض، طرح مشکلات و صحبت درباره وضعیت جاری خودداری کنند.

افزون بر مواردی که مطرح شد، طالبان نیز محدودیت‌های گسترده و سخت‌گیرانه‌ی بر دسترسی به اطلاعات و به‌خصوص انتشار شواهد مرتبط با نقض حقوق بشر اعمال نموده‌اند. همین‌طور، عدم دسترسی به اسناد رسمی و محدودیت در امکان راستی‌آزمایی و بررسی مستقل اطلاعات بدست‌آمده، از دیگر چالش‌های این تحقیق بوده است؛ زیرا در حال حاضر طالبان هرگونه فعالیت مرتبط با نظارت و مستندسازی نقض حقوق بشر را متوقف نموده و اجازه‌ی دسترسی یا نظارت مستقل بر نهادهای تحت کنترل خود را نمی‌دهند. با این وجود و به رغم محدودیت‌های یاد شده، گزارش حاضر تصویر مستند و مبتنی بر شواهد دست اول از وضعیت حقوق بشری اقلیت مذهبی اسماعیلیه در افغانستان، ارائه می‌کند.

قابل یادآوری است که در برخی موارد، نام ولایت‌ها، تاریخ و دیگر جزئیات مرتبط با رویدادهایی که امکان شناسایی مصاحبه‌شوندگان را فراهم می‌سازد به‌صورت عمدی از گزارش حذف شده‌اند.

چارچوب حقوقی

برای اطمینان از تحقق اصل برابری افراد در برخورداری از حقوق بشر فارغ از هرگونه تعلقات نژادی، جنسیتی، مذهبی عقیده سیاسی یا هر وضعیت دیگر و با توجه به شرایط آسیب پذیر اقلیت‌ها، اسناد متعدد بین‌المللی به شناسایی و تضمین حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی پرداخته است.

الف- تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل برابری در برخورداری از حمایت‌های قانونی و تمامی حقوق شناخته شده در این میثاق را برای همه افراد به رسمیت شناخته و هرگونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر را ممنوع کرده است.^۱ هم‌چنین، این میثاق آزادی فکر و آزادی داشتن یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، آزادی ابراز مذهب، اجرای آداب و تعلیمات مذهبی خواه به‌طور فردی یا جمعی یا به‌طور علنی و خصوصی را تضمین کرده است.^۲ بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر از حق آزادی فکر و مذهب، آزادی افراد در داشتن یا پذیرفتن یک مذهب یا عقیده، یک حق مطلق می‌باشد که در هیچ شرایطی نباید محدود شود.^۳

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز ضمن تاکید بر عدم تبعیض با افراد در برخورداری از حقوق مندرج در این اعلامیه، آزادی فکر، وجدان و مذهب را برای تمامی افراد اعلام کرده است.^۴ همین‌طور، اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی نیز، حق موجودیت، فراهم کردن شرایط ترویج و ارتقای هویت مذهبی، آزادی انجام مراسم و مناسک مذهبی، ایجاد نهادها و مؤسسات مذهبی و مشارکت اقلیت‌های مذهبی در زندگی عمومی را به رسمیت شناخته است.^۵

هم‌زمان، قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴ افغانستان با به رسمیت شناختن آزادی اجرای مناسک مذهبی، تصریح کرده است که «هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون از حقوق و وجایب مساوی برخوردار می‌باشند.» علاوه‌براین، در ماده ۱۳۱ قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع، بر اساس فقه این مذهب تضمین شده است.^۶

ب- تعهدات دولت‌ها در مورد اقلیت‌های مذهبی

با توجه به آن‌چه در مبحث پیشین مطرح شد که حقوق اقلیت‌های مذهبی در اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر و به‌خصوص در اسناد الزام‌آور تضمین شده است، لذا دولت‌های عضو مکلفیت دارند که برای ارتقا، حمایت و احترام به حقوق اقلیت‌های مذهبی، اقدامات و تمهیدات ذیل را اتخاذ و اجرا نمایند.

۱ . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، ماده ۲ و ماده ۲۶.

۲ . همان، ماده ۱۸.

۳ . کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۲۲ در مورد ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۹۹۳)، بند ۸.

۴ . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، ماده ۱ و ماده ۱۸.

۵ . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، «اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی»، (دسامبر ۱۹۹۲).

۶ . قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، (۲۸ جنوری ۲۰۰۴)، جریده رسمی شماره ۸۱۸، ماده ۲، ماده ۲۲ و ماده ۱۳۱.

۱- حمایت و تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی در قوانین ملی

به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو موظف‌اند که اقدامات تقنینی را برای تضمین و به رسمیت شناختن حقوق مندرج در این میثاق از جمله حقوق اقلیت‌های مذهبی انجام دهند. این حقوق شامل داشتن مذهب و ابراز فردی یا جمعی آن از طریق عبادت، آموزش و انجام مناسک است.⁷ هم‌چنین، دولت‌ها به موجب قوانین داخلی خود باید هرگونه تبعیض علیه افراد بر اساس وابستگی‌های مذهبی را ممنوع کنند.⁸

اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، یا قومی، مذهبی یا زبانی نیز از کشورها خواسته است که باید اقدامات تقنینی مناسب و دیگر تدابیر لازم را با هدف ارتقای هویت مذهبی و حمایت از موجودیت اقلیت‌های مذهبی در سرزمین خود وضع و اجرا نمایند.⁹

۲- اقدامات اجرایی و اداری

یکی دیگر از تعهدات دولت‌های عضو، اجرای اقداماتی است که بهره‌مندی تمامی افراد از حقوق و آزادی‌های شان را در برابر مداخلات افراد دیگر تضمین کند.¹⁰ بر اساس این نوع تعهد، دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای محافظت از پیروان ادیان و عقاید مختلف در برابر هرگونه اعمال خصمانه از سوی گروه‌ها، افراد و یا مؤسسات دیگر که آزادی آن‌ها برای داشتن یا ابراز مذهب‌شان را مختل می‌کند، انجام دهند و نیز دولت‌ها باید از تغییر مذهب، یا تحمیل دین بر کودکان برخلاف اعتقاد والدین‌شان جلوگیری کنند.¹¹ کمیته حقوق بشر نیز تصریح کرده است که پیش‌گیری از حملات علیه گروه‌های مذهبی، پی‌گرد قانونی نفرت‌پراکنی و تضمین دسترسی امن به اماکن مذهبی شامل این نوع تعهد دولت‌ها می‌باشند.¹²

اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی نیز از دولت‌ها خواسته است که اقداماتی را از طریق تشویق دانش عمومی در مورد تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ اقلیت‌های موجود در قلمرو خود اجرا نموده و هم‌چنین سیاست‌ها و برنامه‌های ملی را با در نظر داشت منافع اقلیت‌ها و مشارکت کامل آن‌ها در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورشان، طرح و اجرا نمایند.¹³

افغانستان به اسناد متعدد الزام‌آور بین‌المللی که حقوق اقلیت‌های مذهبی را تضمین می‌کنند از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پیوسته و مکلف به اجرای مفاد و مقررات مندرج در آن‌ها می‌باشد.¹⁴ از این‌رو، طالبان به عنوان گروه حاکم، موظف‌اند که با پایبندی به تعهدات ناشی از الحاق افغانستان به این اسناد و از طریق اتخاذ اقدامات تقنینی، اداری و اجرایی لازم، از اقلیت‌های مذهبی در این کشور حمایت نموده و زمینه دسترسی آنان به حقوق و آزادی‌های انسانی شان را فراهم سازند.

7 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۲ و ماده ۲۷.

8 . تفسیر عمومی شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، بند ۹.

9 . اعلامیه حقوق اقلیت‌ها، ماده ۱.

10 . کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، «ماهیت تعهد حقوقی عام دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» تفسیر عمومی شماره ۳۱، (۲۰۰۴)، بند های ۶، ۷، و ۹.

11 . تفسیر عمومی شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، بند های ۲ و ۴.

12 . همان، بندهای ۲ و ۷.

13 . اعلامیه اقلیت‌ها، ماده ۴ و ماده ۵.

14 . مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، «معاهدات حقوق بشر که افغانستان به آن‌ها الحاق کرده است».

ساختار قومی- اجتماعی اسماعیلیان در افغانستان

هرچند اطلاعات دقیق و رسمی در مورد جمعیت اسماعیلیان و ساختار قومی آن‌ها در افغانستان وجود ندارد؛ اما نتایج برخی از تحقیقات و برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که حدود ۲-۳ درصد از مجموع شیعیان افغانستان را اسماعیلیان تشکیل می‌دهند. **پیروان مذهب اسماعیلیه عمدتاً در ولایت‌های بامیان، بدخشان، کابل، بغلان^{۱۵}، تخار^{۱۶}، ارزگان، غور، منطقه شیخ علی ولایت پروان و ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک^{۱۷}، تاشقرغان ولایت سمنگان، قندوز و مزار شریف در ولایت بلخ^{۱۸} زندگی می‌کنند. شیعیان اسماعیلی ولایت بدخشان عمدتاً در مناطقی مانند شغنان، واخان، زیباک، یمگان، جرم، روشان، کران و منجان و درواز سکونت دارند.^{۱۹}**

پیروان این مذهب، به جز ولایت بدخشان، تقریباً ۹۰ درصد هزاره می باشند که عمدتاً در مناطق مرکزی افغانستان زندگی می‌کنند و اسماعیلیان بدخشان به لحاظ قومی تاجیک هستند.^{۲۰} قابل یادآوری است که در مورد برخی از این آمارها، به دلیل نبود سرشماری رسمی و معتبر در دهه‌های اخیر در افغانستان، اختلاف نظر وجود دارد.

بررسی و تحلیل یافته‌های گزارش

در این بخشی از گزارش وضعیت حقوق بشری شیعیان اسماعیلی در افغانستان، با استناد به روایت‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان و در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر تحلیل و ارزیابی می‌شود. ابتدا حق تعیین سرنوشت و سپس حق بر هویت مذهبی و آزادی ابراز آن بررسی می‌شود. در ادامه، دسترسی به آموزش‌های مذهبی، آزادی اجرای مناسک، وضعیت مراکز آموزشی و عبادت‌گاه‌ها، دسترسی به عدالت و هم‌چنین بی‌جاشدگی اجباری و غصب ملکیت‌های متعلق به جامعه اسماعیلیه به تفصیل مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱۵ . فاروق مرگن، «اسماعیلیان به مثابه یک گروه اقلیت در افغانستان: مطالعه‌ای بر تاریخ و زندگی دینی معاصر آن‌ها»، <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/4506049>.

۱۶ . حفیظ الله عمادی، افغانستان: اسماعیلیان تاجیک تبار تخار- پایان یک انزوا، Contemporary Review، ج. ۲۹۱، ش. ۱۶۹۴ (۲۰۰۹)، ص ۲۸۸.

۱۷ . یحیا ییضا، «گرایش شیعی هزاره‌های افغانستان: یک بررسی تحلیل تاریخی»، نشریه مطالعات اسلامی شیعه، ج. ۷، ش. ۲ (۲۰۱۴)، ص ۱۵۱-۱۷۱.

۱۸ . رابرت ال، کانفیلد، «کشمکش و گرایش دینی در یک جامعه چندگانه: هم‌سویی‌های مذهبی در هندوکش، مجموعه مقالات مردم‌شناسی»، شماره ۵۰، موزه مردم‌شناسی، دانشگاه میشیگان، ۱۹۹۳. <https://pahar.in/pahar/Books%20and%20Articles/Afghanistan/1973%20Faction%20and%20Conversion%20in%20a%20Plural%20Society--Religious%20Alignments%20in%20the%20Hindu%20Kush%20by%20Canfield%20s.pdf>

۱۹ . شیروز، جابرشایوچ خونشائف، «ویژگی‌های جامعه اسماعیلی پامیر»، در مجموعه مقالات کنفرانس علم و نوآوری ۲۰۲۱: جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های توسعه. ملبورن استرالیا، (۲۰۲۱). https://auspublishers.com.au/en/nauka/conference_article/5362/view

۲۰ . انجمن میراث اسماعیلی، «اسماعیلیان افغانستان»، <http://heritage.ismaili.net/node/29909>.

حق تعیین سرنوشت



اسناد بین‌المللی حقوق بشر تصریح کرده است که تمامی شهروندان بدون هرگونه تبعیض یا محدودیت‌های غیر موجه، حق دارند که در اداره‌ی امور عمومی کشور خود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نموده و از فرصت برابر برای دسترسی به مشاغل عمومی برخوردار باشند.²¹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های عضو را مکلف نموده است که حق تمامی افراد را برای مشارکت در زندگی فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و کاربرد آن‌ها، حمایت از منافع معنوی و مادی ناشی از آثار علمی، ادبی و هنری خود، به رسمیت بشناسند.²²

با این وجود، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که طالبان شیعیان اسماعیلی را به دلیل هویت مذهبی آنان از حقوق بنیادین‌شان از جمله حق مشارکت سیاسی و اجتماعی، دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی، فعالیت‌های جمعی و ایجاد نهادهای اجتماعی، محروم کرده‌اند.

الف) محرومیت از مشارکت سیاسی و حق کار

اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها تأکید کرده است که پیروان اقلیت‌های مذهبی حق دارند به‌صورت مؤثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی مشارکت کنند.²³ بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محرومیت عمدی گروهی از مردم از مشارکت در حکومت و تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر سرنوشت و آینده آن‌ها، نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود.²⁴

هم‌زمان، به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دسترسی برابر به حق کار و اشتغال از مهم‌ترین حقوق انسانی افراد می‌باشد که قایل شدن هر نوع تبعیض و استثنا از جمله به دلیل تعلقات مذهبی در برخورداری از این حق منع قانونی دارد و نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود.²⁵ **با این حال، یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که شیعیان اسماعیلی در جریان چهار سال گذشته بر اساس هویت مذهبی خود، به‌صورت گسترده از مشارکت سیاسی و حضور در سطوح تصمیم‌گیری نهادهای دولتی، دسترسی به فرصت‌های شغلی و امکان فعالیت‌های جمعی محروم شده‌اند.**

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر برای افغانستان، در گزارشی گفته است که اداره طالبان از تنوع قومی و مذهبی برخوردار نیست و نمایندگان اقلیت‌های قومی و مذهبی، در اداره و فرایندهای تصمیم‌گیری حضور ندارند.²⁶

۱- حذف سیستماتیک از قدرت و سطوح تصمیم‌گیری

تمامی ۲۵ مصاحبه‌شونده این تحقیق گفته‌اند که اسماعیلیان به دلیل هویت مذهبی و قومی خود و به‌صورت تبعیض‌آمیز از فرایندهای تصمیم‌گیری و حضور در نهادهای امنیتی و عدلی و قضایی در مرکز کشور، ولایت‌ها و ولسوالی‌ها حذف شده‌اند.

21 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۵.

22 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، بند ۱، ماده ۱۵.

23 . اعلامیه اقلیت‌ها، بند ۲، ماده ۲.

24 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۵.

25 . میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۶ و ماده ۷.

26 . کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، گزارش گرویزه، وضعیت حقوق بشر در افغانستان، آگست ۲۰۲۲، ص ۱۸. <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/ahrc516-situation-human-rights-afghanistan-report-special-rapporteur>

مصاحبه‌شوندگان، بیان کرده‌اند در مناطقی که اسماعیلیان جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند هیچ نقشی در ادارات محلی از جمله ولسوالی‌ها، ریاست‌ها و دیگر سطوح تصمیم‌گیری نهادهای دولتی ندارند و تنها تعداد محدودی از آنان در بخش‌های آموزشی و صحتی، آن هم عمدتاً در مناطقی که خودشان زندگی می‌کنند به عنوان آموزگار و کارمندان مراکز خدمات صحتی کار می‌کنند.

”

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:
»از ریاست الوزرا گرفته تا معینیت‌ها و ریاست‌های بزرگ، ۳۴ والی، ۳۶۴ ولسوال و ریاست‌های مستقل که در تشکیل نهادهای دولتی وجود دارد، هیچ جوان اسماعیلی و هیچ یک از اعضای این جامعه حضور ندارد. این به صراحت نشان می‌دهد که اسماعیلیان از مشارکت ملی و حضور در ادارات دولتی عمداً محروم شده‌اند.«²⁷

”

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:
»ما در سطح تصمیم‌گیری دولت، ولایت‌ها، نهادهای فرهنگی و اکادمیک افراد زیادی داشتیم، از جمله ۴-۵ عضو پارلمان پیشین اسماعیلیه مذهب بودند. در شوراهای ولایتی بدخشان، بامیان، بغلان و کابل نماینده داشتیم، معاون والی کابل از اعضای همین جامعه بود، ریاست دانشگاه‌های سمنگان و بغلان نیز از مردم ما بود. در نهادهای حقوق بشری و نهادهای عدلی و قضایی حضور داشتیم، اما متأسفانه فعلاً همه‌ی این افراد خانه‌نشین شده‌اند.«²⁸

شماری دیگر از مصاحبه‌شوندگان تأکید کرده‌اند که حتا در ولسوالی‌هایی که اکثریت ساکنان آن‌ها را اسماعیلیان تشکیل می‌دهند پیروان این اقلیت مذهبی هیچ نقش و جایگاهی در ادارات محلی ندارند. در این مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داده است:

”

»در حال حاضر در همین بدخشان در تمام ریاست‌ها، مدیریت‌ها و در سطوح تصمیم‌گیری ادارات محلی شاهد حضور حتا یک اسماعیلیه هم نیستیم. معیار طالبان در استخدام و برکناری کارمندان ادارات دولتی حنفیت و دیوبندی است و این امتیاز به افرادی می‌رسد که با آن‌ها یک‌جا در سنگر جنگیده‌اند. بر اساس این معیارها حتا به سایر افراد از مذهب اهل سنت نیز فرصت مشارکت داده نمی‌شود چه رسد به اسماعیلیان که آنان را مدام کافر و مشرک می‌خوانند. طالبان حتا به اسماعیلیان می‌گویند یا باید کلمه بخوانند و مسلمان شوند یا حق زندگی در جغرافیای تحت تسلط ما را ندارند.«²⁹

27 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، ۹ نوامبر ۲۰۲۵.

28 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

29 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر توضیح داده است که در حال حاضر طالبان بدون حضور و مشارکت نمایندگان جامعه اسماعیلیه، برای زندگی و آینده آنان تصمیم می‌گیرند:

«...اکنون نظامی بر افغانستان حاکم است که تمامی تصمیم مربوط به زندگی و آینده اقلیت‌ها را خود اتخاذ می‌کند. حتا در کوچک‌ترین مسایل محلی از جمله موضوعات مرتبط با باورها و مناسک مذهبی اقلیت‌ها، مداخله و مزاحمت می‌کند. بنابراین، اسماعیلیان اگر حقوق‌شان نقض شود، نه حق تصمیم‌گیری دارند و نه اعتراض می‌توانند.»³⁰

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است:

«اسماعیلیان افغانستان در ۲۰ سال گذشته به جای سهم‌گیری در خراب‌کاری و همدستی با طالبان، برای تحصیل علم و دانش تلاش کردند. حالا طالبان می‌گویند چون شما جهاد نکرده‌اید، حق حضور در ادارات دولتی را نیز ندارید، یا بیاید کلمه بخوانید و مسلمان شوید و توبه کنید و یا برای ما نشان دهید که مسلمان شده‌اید. بعد ما تصمیم می‌گیریم که شما چه نقشی در ادارت دولتی داشته باشید.»³¹

شماری از مصاحبه‌شوندگان به نقش هویت قومی اسماعیلیان نیز در حذف آن‌ها از ادارات دولتی تحت کنترل طالبان اشاره کرده‌اند:

«مردم ما ولایت بغلان، نه تنها به خاطر اسماعیلی بودن بلکه به دلیل هزاره بودن نیز از مشارکت سیاسی و اجتماعی محروم شده‌اند. در وضعیت کنونی و در حکومت طالبان تنها کسانی در تصمیم‌سهم‌اند که طالب باشند یا در ۲۰ سال گذشته با این گروه ارتباط داشته‌اند. اسماعیلیان در حکومت‌داری محلی و تصمیم‌های کلان ملی هیچ نقشی ندارند.»³²

مصاحبه‌شونده دیگر در این مورد گفته است:

«اکنون هیچ فردی از اسماعیلیان نه در سطوح رهبری ادارات دولتی و نه حتا در بست‌های پائین نهادهای عدلی، قضایی و امنیتی حضور ندارد و به‌خصوص ما هزاره‌های اسماعیلیه به دلیل هویت قومی و مذهبی خود بیش‌تر از هر گروه دیگر در معرض تبعیض قرار داریم... در حالی‌که هر انسان حق دارد بر اساس باورها و معتقدات مذهبی خود زندگی کند، اما وضعیت کنونی به گونه‌ای است که اسماعیلیان مجبوراند مطابق با عرف مذهب حنفی زندگی کنند و طالبان بر اساس روایت سخت‌گیرانه‌ای خود از اسلام درباره‌ی زندگی و آینده اسماعیلیان تصمیم می‌گیرند.»³³

30 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

31 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵.

32 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵.

33 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

حذف عمدی اسماعیلیان از سطوح تصمیم‌گیری ادارات دولتی به عنوان الگوی مشترک در روایت تمامی مصاحبه‌شوندگان تکرار و برجسته شده است که نشان‌دهنده سیاست هدفمند از سوی طالبان و مصداق تبعیض مبتنی بر مذهب به شمار می‌رود.

۲- اخراج و محرومیت از حق کار به دلیل هویت مذهبی

۶ تن از شرکت‌کنندگان در این تحقیق گفته‌اند که به صورت مستقیم به دلیل هویت مذهبی خود از حق کار محروم شده و نیز ۱۶ تن دیگر اظهار داشته‌اند که افرادی را می‌شناسند که به خاطر تعلق به جامعه اسماعیلیه از ادارات دولت برکنار شده‌اند.

یک مصاحبه‌شونده که تحصیلات عالی و تجربه‌ی سال‌ها کار با حکومت پیشین را دارد، اما به دلیل هویت مذهبی خود از سمت دولتی برکنار شده، چنین روایت کرده است:

«وقتی طالبان به قدرت بازگشتند، همکاران سابقم از سایر گروه‌های قومی و مذهبی دوباره به وظایف خود برگشتند، من هم رفتم تا به کارم ادامه بدهم. در حالی‌که سایر همکارانم حاضری را امضا نموده و وارد شعبات کاری‌شان شدند، اما به من اجازه‌ی امضای حاضری را ندادند. وقتی دلیلش را پرسیدم، گفتند که این دستور از سوی رئیس اداره داده شده است. بعداً از طریق بزرگان محل با رئیس اداره صحبت کردیم و پرسیدیم که مشکل چیست؟ او پاسخ داد که اصل اول در امارت اسلامی این است که تمام کارمندان باید مسلمان باشند. او حتا به بزرگان محل گفته بود که اسماعیلیان مسلمان نیستند و اگر شما آن‌ها را مسلمان می‌دانید، یعنی دین خودتان هم کامل نیست. رئیس عمومی منابع بشری این اداره نیز در پاسخ به شکایت من گفت که در حکومت اسلامی تطبیق‌کننده قوانین باید مسلمان باشد. به بخش سمع شکایات اداره امر به معروف در کابل مراجعه کردم، مسئول این بخش به من گفت همین که امارت برای تان مشکل ایجاد نمی‌کند و زنده هستید، کفایت می‌کند. بعداً هیأت ولایتی سمع شکایات نیز همین حرف را تکرار کرد و افزود که برای اهل تشیع و به‌ویژه اسماعیلیان که پیروان آقا خان هستند، و به ادعای آنان نماز نمی‌خوانند، روزه نمی‌گیرند و مسجد ندارند، هیچ جایگاهی در نهادهای عدلی و قضایی و امنیتی وجود ندارد.»³⁴

مصاحبه‌شونده دیگر روایت مشابهی را در مورد اخراج یک تن از بستگان خود ارائه کرده است:

«یکی از بستگانم در ولایت بامیان در یک پست دولتی در یکی از ولسوالی‌های این ولایت کار می‌کرد. طالبان در ابتدا با او رفتار بسیار بدی داشتند؛ چون تصور می‌کردند که او فقط یک هزاره و شیعه است. اما در همان ولسوالی که همه باشندگان آن هزاره است او را نگه داشتند و می‌گفتند حضورش برای انجام کارهای مردم لازم است. اما همین که فهمیدند او علاوه بر هزاره و شیعه بودن، اسماعیلیه هم است، همان روز به شکل بسیار توهین‌آمیز او را از موقف‌اش برکنار کردند و برایش گفتند که ما در این مدت نمی‌فهمیدیم که تو یک کافر لعین هستی، همین لحظه وسایلات را جمع کن و از این جا برو. سپس یک ورق را

سرش امضا کردند و او را از وظیفه منفک نمودند.»³⁵

”

مصاحبه شونده دیگر گفته است:

«نمی توانم اسم او را با شما در میان بگذارم و نمی توانم بگویم چه نسبتی با من دارد، اما بسیار به من نزدیک است. او در یکی از ادارات محلی وظیفه خوبی داشت و بیش از ۱۵ سال در آن جا خدمت کرده بود. با آمدن طالبان هم چنان به کارش ادامه داد اما همیشه مورد تحقیر و توهین قرار می گرفت به خصوص در ماه های اخیر مسئول آن اداره او را به خاطر اسماعیلیه بودن آزار و اذیت می کرد. با وجود این که نماز می خواند و پنج وقت در نماز جماعت اشتراک می کرد، معلومات دینی، سطح تحصیلی، تجربه کاری و فعالیت هایش فوق العاده بود.... بالاخره دو ماه پیش او را از بستی که پانزده سال در آن کار کرده بود منفک کردند. گفتند تو اسماعیلیه هستی و نمی توانی در جمع ما باشی.»³⁶

”

یکی دیگر از مصاحبه شندگان گفته است که طالبان یکی از دوستانش را به علت تفاوت در انجام مناسک عبادی، تکفیر نموده و از کار برکنار کرده اند:

«یکی از دوستانم که ماستری داشت در یکی از ادارات حکومتی رده بالا کار می کرد و با بازگشت طالبان به قدرت هم چنان به کار خود ادامه داده بود. یک روز طالبان او را خواستند چون متوجه شده بودند که در وقت نماز به مسجد نمی رود. حتا در جلسه گفته بودند که این فرد نماز نمی خواند و کافر است و چنین افرادی در اداره جایی ندارد. او توضیح داده بود که کافر نیست و با روش خود نماز می خواند و به دلیل تفاوت مذهبی به مسجد نمی رود. اما طالبان بر او فشار آوردند و در نهایت مجبورش کردند استعفا بدهد.»³⁷

”

مصاحبه شونده دیگر اظهار داشته است:

«من کسی را می شناسم که در یکی از بخش های صحنی کار می کرد. او برایم گفت زمانی که طالبان متوجه شدند اسماعیلی هستیم، برخوردهای شان تغییر کردند و به بهانه های مختلف مرا اذیت می کردند. می پرسیدند که چرا پنج وقت نماز نمی خوانی و می گفتند: «ما انشاالله آدمت می کنیم». همین فشارها او را مجبور کرد که وظیفه اش را ترک کند.»³⁸

برکناری کارمندان متعلق به جامعه اسماعیلیه به دلیل هویت مذهبی آنان، حتی در بخش های خصوصی نیز گزارش شده است. در این زمینه یکی از مصاحبه شندگان چنین اظهار داشته است:

”

«۲۱ نفر از کارمندان یک نهاد خصوصی در شهر کابل که همه از پیروان مذهب اسماعیلیه بودند در جریان یک هفته همگی به دلیل هویت مذهبی، مجبور به ترک وظایف خود شدند. جالب این است که مهم ترین نهادهای حامی این نهادهای معتبر بین المللی هستند.»³⁹

35 . رواداری مصاحبه شونده شماره ۱۴، اکتبر ۲۰۲۵.

36 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۸، نوامبر ۲۰۲۵.

37 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۴۰، اکتبر ۲۰۲۵.

38 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۰، ۲۲، نوامبر ۲۰۲۵.

39 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۵، ۲۶، نوامبر ۲۰۲۵.

۳- پنهان سازی هویت یا تغییر مذهب برای حفظ شغل

۹ نفر از مجموع مصاحبه شونده گان گفته اند که تعداد محدودی از اسماعیلیان به منظور حفظ موقعیت شغلی خود، آن هم در بست های پایین ادارات دولتی مجبور به پنهان سازی هویت مذهبی خود شده و یا مذهب خود را تغییر داده اند. در این مورد یک مصاحبه شونده چنین روایت کرده است:

«فعلاً حتا یک سرباز هم از میان ما وجود ندارد و در هیچ یک از ارگان های دولتی حضور نداریم. اگر کسی هم باشد با پنهان کردن هویت خود، کار می کند و جرات ابراز هویت مذهبی خود را ندارد. یک نفر در یکی از ولسوالی های ولایت بدخشان هست که اعلام کرده دیگر اسماعیلیه نیست. تعدادی هم معلم اند که از حکومت قبلی باقی مانده و در مناطق اسماعیلیه نشین کار می کنند.»⁴⁰

مصاحبه شونده دیگر روایت کرده است:

«یکی از همسایگان من در یکی از ادارات دولتی کار می کند. طالبان به او گفتند که اگر به روش ما نماز می خوانی و به جماعت حاضر می شویی کارمند این اداره و حکومت هستی، در غیر آن صورت باید استعفا بدهی. او به خاطر تأمین نفقه خانواده اش مجبور شده که به خواست طالبان عمل کند.»⁴¹

همین طور، برخی دیگر از مصاحبه شونده گان گزارش داده که تعدادی از اسماعیلیان پس از تغییر مذهب، در ادارات دولتی تحت کنترل طالبان استخدام شده اند.

«سه یا چهار تن از اسماعیلیانی که در دوره جمهوریت مرتکب جرم شده و به طالبان پیوسته بودند، اکنون با تغییر مذهب در ادارات دولتی کار می کنند. یکی از این افراد حتا نام خود را نیز تغییر داده بود و با اعضای خانواده و اقوام خود بسیار بدی می کرد.»⁴²

یکی دیگر از مصاحبه شونده گان در این مورد گفته است:

«جمعه خان فاتح⁴³ تعدادی از اسماعیلیانی را که مذهب خود را تغییر داده، به عنوان محافظان مسلح خود استخدام کرده و در واقع به آن ها امتیاز داده است.»⁴⁴

بر بنیاد مقررات مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که هرگونه تبعیض بر مبنای مذهب را ممنوع اعلام نموده است، محروم سازی سازمان یافته اسماعیلیان از حق کار و اخراج آن ها به دلیل هویت مذهبی شان از ادارات دولتی، مصداق تبعیض و نقض شدید حقوق بشر به شمار می رود.⁴⁵

40 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۷، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵.

41 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳۰، ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

42 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۴، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

43 . جمعه خان فاتح، یکی از فرماندهان محلی طالبان در ولایت بدخشان می باشد که تمامی ۲۵ مصاحبه شونده در مورد نقش برجسته وی در آزار و سرکوب اسماعیلیان سخن گفته اند. او مسئول عمومی نظامی پنج ولسوالی دروازه ها در این ولایت می باشد.

44 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

45 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲ و ماده ۲۶.

ب) حق تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها

تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها ابزاری برای حفاظت از هویت اقلیت‌های مذهبی و حمایت از آن‌ها در برابر تبعیض و نقض حقوق بشر می‌باشد. این حق چنانکه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است، متضمن توانمندسازی یک گروه اجتماعی برای حمایت از منافع شان می‌باشد و تابع هیچ محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آن‌چه به‌موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد.⁴⁶

با این حال، ۱۹ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که پس از بازگشت طالبان به قدرت، امکان تشکیل هرگونه اتحادیه، انجمن و دیگر نهادهای اجتماعی از جامعه اسماعیلیه سلب شده است. همین‌طور، شماری از مصاحبه‌شوندگان از تهدید اعضای نهادهای اجتماعی و مذهبی برای توقف فعالیت‌های شان نیز سخن گفته‌اند.

در مورد ممنوعیت کار نهادهای فعال در جامعه اسماعیلیه، یک تن از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«بخش‌های تحصیلی و آموزشی، شبکه‌های قومی و دیگر نهادهایی که به‌صورت گسترده فعالیت می‌کردند و زنجیره‌وار در تمام عرصه‌ها ریشه دوانده بودند، همگی از سوی طالبان متوقف شدند. طالبان فعالیت همه این نهادها را ممنوع اعلام کردند و دلیل آن‌ها هم این بود که گویا جامعه اسماعیلیه بسیار آزاد است و افراط می‌کنند... همه‌ی نهادها یکی پس از دیگری مسدود شدند.»⁴⁷

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است که:

«نه تنها امکان تشکیل نهاد، شورا و یا انجمن در چهار سال گذشته وجود نداشته، بلکه طالبان نهادهایی را که از قبل وجود داشت نیز ملغاً کردند و یا اعضای آن‌ها را مجبور نمودند که دیگر به فعالیت‌های خود ادامه ندهند. قبلاً در هر منطقه و در هر روستا یک شورا یا یک نهاد از اسماعیلیان وجود داشت و اعضای آن فعالانه کار می‌کردند. اما پس از بازگشت طالبان به قدرت، این نهادها مسدود و اعضای شان به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم تهدید شدند... پدرم که بزرگ منطقه ما است تحت فشارهای مختلف قرار داشت تا شورا و نهادهای منطقه را ترک کند و دیگر به فعالیت‌های اجتماعی و مدنی خود ادامه ندهد.»⁴⁸

هرچند طالبان تشکیل چنین نهادها و اتحادیه‌هایی را برای سایر گروه‌های قومی و مذهبی نیز ممنوع کرده‌اند، اما اعمال این محدودیت در مورد شیعیان اسماعیلی به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر، سبب شده است که توان جمعی آن‌ها برای دفاع از حقوق و آزادی‌های انسانی شان سلب گردد؛ اقدامی که مطابق با اسناد بین‌المللی، نقض صریح حقوق بشر به‌شمار می‌رود.⁴⁹

46 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱، ماده ۲۲.

47 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ نوامبر ۲۰۲۵.

48 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

49 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۲.

حق بر هویت مذهبی و آزادی ابراز آن



حق بر هویت مذهبی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آزادی دین و عقیده می‌باشد که هم در بعد فردی و هم در بعد جمعی مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر قرار دارد. به موجب این اسناد، هر شخص حق دارد عقیده و مذهب خود را آزادانه به صورت فردی یا جمعی، در فضای عمومی یا خصوصی ابراز کند. 50 کمیته حقوق بشر تأکید کرده است که آزادی ابراز و نشان دادن مذهب یا عقیده از طریق عبادت، آیین‌ها، آداب و رسوم و آموزش، دامنه‌ی گسترده و متنوعی از اعمال و رفتارهای مذهبی را در بر می‌گیرد.⁵¹

با این وجود، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که تمامی مصاحبه‌شوندگان تأکید کرده‌اند که با بازگشت طالبان به قدرت، فضای آزادی مذهبی برای اسماعیلیان و امکان برگزاری علنی برنامه‌ها و مناسک مذهبی در جامعه، به طور قابل توجهی محدود شده است. آزار و اذیت، تحقیر، گسترش تبلیغات منفی، تبعیض کلامی و نسبت‌های تکفیری همراه با تهدید و ارباب، از مهم‌ترین عواملی هستند که به باور مصاحبه‌شوندگان این محدودیت‌ها را تشدید کرده است.

ترس از ابراز هویت مذهبی

بر بنیاد اطلاعات بدست‌آمده، تمامی شرکت‌کنندگان این تحقیق گفته‌اند که شیعیان اسماعیلی به دلیل ترس از تبعیض، تحقیر، آزار و اذیت، نگرانی‌های امنیتی، ترس از آسیب رسیدن به خانواده و از دست دادن کار نمی‌توانند هویت و باور مذهبی خود را آشکار کنند. در این میان ۲۳ نفر آن‌ها اظهار داشته که شخصاً تجربه پنهان کردن هویت مذهبی خود را داشته‌اند.

پنهان‌سازی هویت مذهبی در میان اعضای جامعه اسماعیلیه موضوعی جدید نیست بلکه سابقه‌ی طولانی در این کشور دارد؛ اما بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، این وضعیت پس از بازگشت طالبان به قدرت و در جریان چهار سال گذشته بدتر شده است.

یک مصاحبه‌شونده در این باره چنین روایت کرده است:

”

«در جامعه‌ای که گفته می‌شود نان اسماعیلیان حرام است، اسماعیلیان بوی بد می‌دهند و اسماعیلیان کافر هستند، آن‌ها چگونه می‌توانند آزادانه و بدون ترس هویت مذهبی خود را ابراز کنند؟ البته در ولسوالی‌های که اکثریت باشندگان آن را اسماعیلیان تشکیل می‌دهند این مشکل وجود ندارد اما زمانی که آن‌ها به مناطق دیگر سفر می‌کنند، از ترس تبعیض و تحقیر، هویت مذهبی‌شان را پنهان می‌کنند تا کسی به آن‌ها نگوید اسماعیلیان بد، کافر یا بی‌دین اند و مثلاً آن‌ها حلال نیست. من خودم نیز بارها هویت مذهبی‌ام را پنهان کرده‌ام.»⁵²

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

”

«اسماعیلیان در طول تاریخ انواع ظلم و ستم را تجربه کرده‌اند و آن ترس تاریخی هنوز هم وجود دارد؛ به خصوص از زمانی که طالبان به قدرت بازگشته‌اند، این ترس بیشتر نیز شده است. به همین دلیل تعداد زیادی از اسماعیلیان از جمله دانشجویانی که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند نمی‌توانند هویت‌شان را ابراز و مراسم مذهبی‌شان را برگزار نمایند. من

50 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸، ماده ۲۶ و ماده ۲۷.

51 . تفسیر عمومی شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، بند ۴.

52 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

شخصاً تجارب زیادی دارم که در دانشگاه هر وقت اساتید ثقافت اسلامی متوجه می‌شدند که من اسماعیلیه هستم، پیشوای مذهبی ما را مورد تمسخر قرار می‌دادند.⁵³

همین‌طور، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درباره دلایل پنهان کردن هویت اسماعیلیان چنین گفته است:

«در یک صنف آنلاین مدتی یک جوان شاگردم بود. روزی به خاطر یک مناسبت مذهبی اسماعیلیان در استوری فیس‌بوکم پیام گذاشته بودم، از من پرسید که آیا اسماعیلیه هستم؟ پاسخ دادم که بلی، بسیار تعجب کرد و گفت شما چون در خارج از کشور زندگی می‌کنید این آزادی را دارید. او گفت که خودش نیز اسماعیلیه هست اما می‌ترسد هویت مذهبی‌اش را آشکار کند. باهم صحبت کردیم، گلایش را بغض گرفته بود و گفت چقدر خوب است که در مناسبت‌های مذهبی آزادانه پیام می‌گذارید؛ اما ما این کار را کرده نمی‌توانیم، به خاطر خانواده، به خاطر کار و به خاطر همه چیز می‌ترسیم. هرکسی در مورد مذهبم پیرسد می‌گویم سنی هستم.»⁵⁴

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد ترس از ابراز هویت مذهبی خود اظهار داشته است که:

«اگر روزی در مورد مذهبم می‌پرسیدند، آن را پنهان می‌کردم، چون می‌ترسیدم. برای من ترسناک بود که هم خبرنگار باشم، هم زن و هم هزاره و در کنار آن یک مورد دیگر را نیز اضافه کنم که اسماعیله هستم. نمی‌خواستم این کار را کنم.»⁵⁵

علاوه‌براین، یک مصاحبه‌شونده دیگر توضیح داده است که به دلیل فشارها و ترس از بازجویی، نمی‌تواند هویت و باورهای مذهبی خود را آشکار کند:

«فعلاً وضعیت به گونه‌ای است که اسماعیلیان نماز را به روش اهل سنت و با دستان بسته و در عین وقت می‌خوانند. به دلیل فشارها، درباره مناسک مذهبی و روش عبادت خود نیز پنهان کاری می‌کنند... گاهی شده که به ادارات امر به معروف یا معارف طالبان رفتم و در وقت نماز برابر شدم و در میان طالبان تنها شیعه من بودم، مجبور شدم که نماز را با دستان بسته و با روش اهل سنت بخوانم و هویت خود را پنهان کنم، به خاطر این‌که مورد بازجویی قرار نگیرم.»⁵⁶

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«جوانان محل بارها در تماس‌های تلفنی که با من داشته گفته‌اند که از سوی طالبان محلی مورد تمسخر قرار می‌گیرند، امام ما را دشنام می‌دهند و ما را مسلمان نمی‌دانند. همین مسایل سبب شده است که اسماعیلیان هنگام سفر به مناطق دیگر هویت مذهبی خود را پنهان کنند.... در روستاها و مناطق دیگر نمی‌توانیم عبادت خود را آزادانه انجام بدهیم. البته این مسایل در گذشته هم وجود داشت و فعلاً هم وجود دارد. در گذشته وقتی از یک منطقه به منطقه دیگر می‌رفتیم به خاطر افراط‌گرایی که در مجموع شیعه را بد می‌بینند،

53 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

54 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵.

55 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

56 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵.

گفته نمی‌توانستیم که ما اسماعیلیه هستیم همان وضعیت دوباره شکل گرفته است و این که طالبان در رسانه‌ها می‌گویند که آزادی مذهبی وجود دارد درست نیست.⁵⁷

به باور شماری از مصاحبه‌شوندگان، خانواده‌های اسماعیلی در برخی مناطق فرزندان خود را به مدارس محلی می‌فرستند تا مسایل ضروری مربوط به فقه سایر مذاهب اسلامی را بیاموزند. این کار عمدتاً به دلیل ترس از رفتارهای تحقیرآمیز در جامعه یا برای پیش‌گیری از آسیب‌ها و خطرات احتمالی صورت می‌گیرد.

«مدرسه و مکاتب محلی وجود دارد که از همان کودکی به ما مسایل مذهبی اهل تسنن و تشیع ۱۲ امامی را آموزش می‌دهند. تاکید بر این است که هر دو را یاد بگیریم تا در مواقع و شرایط خاص بتوانیم از خود محافظت کنیم. به عنوان مثال هم تراویح و هم مباحث مربوط به اهل تشیع. اگر بین جامعه اهل تشیع ۱۲ امامی قرار گرفتیم می‌گوییم اهل تشیع هستیم و اگر بین اهل تسنن قرار گرفتیم می‌گوییم اهل تسنن هستیم...»⁵⁸

تبعیض کلامی، نفرت‌پراکنی و تکفیر شیعیان اسماعیلی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها را موظف کرده است که با اقدامات قانونی و اجرایی از آزادی مذهبی حمایت به عمل آورده و از هرگونه تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت بر اساس مذهب جلوگیری کنند.⁵⁹ کمیته حقوق بشر نیز تصریح کرده است که پیش‌گیری از حملات علیه گروه‌های مذهبی و پیگرد قانونی نفرت‌پراکنی از وظایف اساسی دولت‌ها می‌باشند.⁶⁰

با این حال، بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در جریان چهار سال گذشته، اشکال گوناگون تبعیض کلامی علیه شیعیان اسماعیلی از جمله نفرت‌پراکنی و تکفیر علنی آنان، به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. شواهد بدست‌آمده بیان‌گر آن است که طالبان و گروه‌های افراطی دینی، در تشدید این وضعیت نقش داشته‌اند.

۱- نفرت‌پراکنی و ترویج علنی تکفیر

تمامی ۲۵ مصاحبه‌شونده تأکید کرده‌اند که نفرت‌پراکنی و تکفیر علنی جامعه اسماعیلیه با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده، این تبلیغات عمدتاً از سوی ماموران امر به معروف و فرماندهان محلی طالبان، روحانیون افراطی و امامان مساجد وابسته به این گروه، در صنف‌های درسی، برنامه‌ها و مناسبت‌های مختلف به‌صورت علنی و آشکار انجام می‌شود.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای حقوق بشر در افغانستان نیز در گزارشی گفته است که به شواهدی دست پیدا کرده که نشان می‌دهد وزارت معارف طالبان جامعه اسماعیلیه را مرتد اعلام نموده است.⁶¹

57. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷/۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

58. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹/۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

59. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۲، ماده ۱۸ و بند ۲ ماده ۲۰.

60. تفسیر عمومی شماره ۲۲، کمیته حقوق بشر، بندهای ۲ و ۷.

61. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، گزارش ویژه، وضعیت حقوق بشر در افغانستان، ۹ فبروری ۲۰۲۳، ص ۱۰. <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/ahrc5284-situation-human-rights-afghanistan-report-special-rapporteur>

”

با این وجود، یک تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق که شاهد چنین تبلیغاتی بوده، روایت کرده است:

«من خودم شاهد بودم که امام مسجد جامع کارته اتفاق در شهر پلخمری ولایت بغلان، هنگام سخنرانی در نماز جمعه برچسب‌های ناروایی به اسماعیلیان نسبت می‌داد؛ چیزهایی که من در طول ۳۰-۳۵ سال عمر خود هرگز نشنیده بودم. او یک بار نه بلکه بارها گفته است که هرکس دختر خود را به یک فرد اسماعیلیه مذهب بدهد، به مثابه آن است که هفت نسل خود را به آتش جهنم کشیده است... بار دیگر در خطبه نماز جمعه ادعا کرد که اسماعیلیان اهل نماز و قبله نیستند و کسی که اهل قبله و نماز نباشد، مسلمان به‌شمار نمی‌رود. هرچند این مورد را قنصول آقاخان با مسئولان اداره حج و اوقاف طالبان در میان گذاشت و درباره پیامدهای خطرناک چنین تبلیغاتی بر جامعه اسماعیلیه هشدار داد، اما ملا امام مذکور همچنان به تبلیغات منفی علیه اسماعیلیان ادامه داده است.»⁶²

”

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد تجربه یکی از بستگان خود چنین معلومات داده است:

«دختر مامایم در یکی از مدارس مذهبی اهل سنت در کابل درس می‌خواند. او یک بار قصه کرد که روزی در صنف درباره شیعیان بحث کردند و آن‌ها را به‌طور مطلق کافر خواندند. گفتند یک فرقه دیگر از شیعیان که خود را اسماعیلی می‌گویند در هیچ یک از ادیان آسمانی برابر نیستند، مناسک مذهبی و روش‌های عبادی شان را نمی‌توانیم در هیچ یک از این ادیان جای بدهیم و به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را جزو ادیان آسمانی به‌شمار آورد.»⁶³

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد تجربه خود از زمان تحصیل در دانشگاه گفته است: «زمانی که طالبان به قدرت بازگشتند، دو سمستر تا پایان تحصیلم در دانشگاه باقی‌مانده بود. در آن زمان برای ما کتابی را به عنوان مضمون «ثقافت اسلامی» تدریس می‌کردند در بخش‌های از آن مذهب اسماعیلیه به عنوان یکی از ادیان و مذاهب منفور معرفی شده بود. در این کتاب ادعا شده بود که پیروان مذهب اسماعیلیه گمراه‌اند و از زمانی که حضرت علی را خدای خود خواندند، مورد نفرین خداوند قرار گرفتند.»⁶⁴

”

در مورد محتوای این مضمون درسی، مصاحبه‌شونده دیگر چنین روایت کرده است:

«در این مضمون ثقافت اسلامی، حدود ۳۵ صفحه در مورد مذهب اسماعیلیه نوشته شده است که تنها دو مورد آن درست است: یکی این که امام اسماعیلیان کریم نام دارد و دوم این که او تحصیل‌کرده دانشگاه هاروارد است. سایر مطالب سراسر افترا و تهمت است. به‌طور مثال گفته شده که مذهب اسماعیلیه ساخته و پرداخته چند خارجی است، گویا انگلیس‌ها و استعمار بریتانیا این مذهب را ساخته‌اند. هم چنین ادعا شده که آقاخان امام اسماعیلیان اصلاً انگلیسی است و مسایل مذهبی اسماعیلیان توسط سازمان‌های استخباراتی مانند MI۶ و CIA طراحی شده که هدف آن ایجاد تفرقه در میان مسلمانان است... این کتاب

62 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

63 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳۰، اکتبر ۲۰۲۵.

64 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، اکتبر ۲۰۲۵.

قبلاً یکی از منابع مضمون ثقافت اسلامی در دانشگاه‌ها بود اما حالا بخشی از کریکولم درسی شده است.»⁶⁵

رواداری به صورت مستقل و به عنوان نمونه مضامین «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌های ولایات بدخشان، بغلان، ننگرهار و قندهار را بررسی کرده است که نشان می‌دهد، مضمونی با چنین محتوا شامل برنامه‌های درسی دانشگاه‌های ولایات یادشده می‌باشد. هم‌چنین، موارد متعددی از تکفیر علی اسماعیلیان توسط فرماندهان محلی طالبان گزارش شده است، چنان‌که یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«با روی کار آمدن طالبان تبلیغات و نفرت‌پراکنی علیه اسماعیلیان بیشتر شده است. به طور مثال یک فرمانده محلی این گروه در ولایت بدخشان، در یک کلیپ صوتی خطاب به اسماعیلیان گفته است که هرچه می‌گویید ما شما را در دایره اسلام نمی‌پذیریم و از نظر ما شما مسلمان نیستید، حالا دل تان که خوش می‌شوید یا ناراحت.»⁶⁶

یکی از مصاحبه‌شوندگان در توضیح پیامدهای این تجربیات گفته است:

«چنین برخوردهایی تأثیر منفی و عمیق بر امنیت روانی ما دارد. چنان‌که ما خود را عضوی از این جامعه احساس نمی‌کنیم و همواره حس بیگانگی داریم. احساس ترس و ناامنی همیشه در من وجود دارد، اطرافیان و به خصوص کودکان نیز همواره در ترس زندگی می‌کنند.»⁶⁷

در ادامه، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است که افرادی که قبلاً نگاه منفی و تکفیرآمیزی نسبت به جامعه اسماعیلیه داشتند، امروز به قدرت رسیده و با توسل به زور، اعضای این جامعه را تحت فشار قرار می‌دهند:

«روایت و ذهنیت منفی که علیه مذهب اسماعیلیه از سال‌های دور وجود داشته و آنان را بی‌دین و کافر می‌خوانند، امروز مسلح شده و قدرت را در اختیار دارد. همین ذهنیت اکنون با قدرت تفنگ و زور، فشار بر جامعه اسماعیلیه را تشدید کرده است. اداره امر به معروف طالبان به عنوان مرجعی برای اعمال همین روایت و ذهنیت منفی تبدیل شده است؛ نهادی که هم سلاح دارد، هم قدرت و هم صلاحیت اجرایی. علاوه بر این، امامان مساجدی که با طالبان ارتباط دارند در تقویت و ترویج این نگاه تبعیض‌آمیز و منفی نقش فعال دارند.»⁶⁸

65 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

66 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، اکتبر ۲۰۲۵.

67 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵.

68 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، اکتبر ۲۰۲۵.

۲- تبعیض کلامی و برچسب‌های تحقیرآمیز

تمامی مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که اشکال گوناگون تبعیض کلامی و برچسب‌های تحقیرآمیز علیه پیروان مذهب اسماعیلیه در جامعه وجود داشته، اما طی چهار سال گذشته گسترش و رواج بیشتری پیدا کرده است. بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، برچسب‌های مانند «کافر»، «مرتد»، «روافض»، «مشرک»، «غالی»، «بی‌دین»، «چراغ کشک»، «چراغ گلک»، «غلاط»، «مذهب ساختگی و دست پرورده غرب و انگلیس»، «ازدواج با محارم»، «اهل حشیش و مواد مخدر» از مهم‌ترین مواردی هستند که هم در میان مردم و هم در محیط‌های کاری و تحصیلی برای تحقیر و توهین پیروان این مذهب به کار می‌روند.

”

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:
«برچسب‌ها و تعابیر منفی فراوان علیه اسماعیلیان وجود دارد که با آمدن طالبان رواج بیشتری پیدا کرده است. کلماتی مانند روافض، مشرک، غالی، کافر و چراغ کشک از گذشته‌های دور در مورد پیروان این مذهب وجود داشت اما فعلاً کاربرد بیشتر پیدا کرده است.»⁶⁹

”

مصاحبه‌شونده دیگر که به دلیل هویت مذهبی خود، تجربه تحقیر مداوم در محیط کار را دارد، چنین روایت کرده است:
«چند سال پیش و در زمان حاکمیت طالبان، در یکی از نهادهای دولتی کار می‌کردم، وقتی هویت مذهبی‌ام افشا شد، یکی از مسئولان من را خواست و گفت شما مشرک هستید؟ گفتم نه من خدا باور و مسلمان هستم. تأکید کرد که نه شما اسماعیلیان مشرک و کافر هستید. در زمان جمهوریت نیز در همین اداره کار می‌کردم و به شیعه و کافر مشهور شده بودم، عموماً من را با این نام‌ها صدا می‌کردند.»⁷⁰

”

همین‌طور، برخی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرده‌اند که این برچسب‌های تحقیرآمیز در مواردی حتا نسبت به رهبر و پیشوای مذهبی اسماعیلیان نیز به کار گرفته می‌شود:
«همواره یک سلسله برچسب‌های ناروا علیه رهبر و پیشوای مذهبی اسماعیلیان مطرح بوده است، از جمله این ادعا که او دست پرورده غرب و انگلیس است، وابستگی به اسلام ندارد و رفتارهای غیر اخلاقی به او نسبت داده می‌شود.»⁷¹

”

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:
«هم تعدادی از مردم و هم طالبان ما اسماعیلیان را کافر می‌گویند و مورد تحقیر و توهین قرار می‌دهند. حتا فرزندانم را در مکتب تحقیر می‌کنند و می‌گویند که شما مسلمان نیستید.»⁷²

69 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

70 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۷ اکتبر ۲۰۲۵.

71 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲ اکتبر ۲۰۲۵.

72 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد تجربه خود توضیح داده است که: «حتا تعدادی از همین شیعیان ۱۲ امامی نیز نسبت به ما تعصب دارند. من برای کار به جاهای مختلف سفر می‌کردم و هرگاه صحبت از دین و مذهب می‌شد بعضی از آن‌ها می‌گفتند یک مذهب دیگر به نام اسماعیلیه وجود دارد که پیروان آن مرید «سید کیان» هستند و وقتی عروسی می‌کنند شب اول عروس را پیش مرید و پیر خود می‌برند. هم‌چنین ادعا می‌کردند که اسماعیلیان چراغ کش هستند، نان شان حلال نیست و رفتن به خانه‌های شان درست نمی‌باشد. من این حرف‌ها را از زبان یک ملای مسجد شیعیان دوازده امامی با گوش خود شنیده‌ام.»^{۷۳}

”

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است: «در یک محفل عروسی در شهر فیض آباد ولایت بدخشان رفته بودم، همه سنی مذهب بودند و از هویت مذهبی من چیزی نمی‌دانستند. تعدادی از آن‌ها در جریان گفتگو و بحث با یکدیگر بسیار با صراحت گفتند که اسماعیلیان کافر هستند. اگر مسجد می‌روند از ترس ما است، اگر نماز می‌خوانند درست نمی‌خوانند، وضو نمی‌گیرند و به خاطر نمایش و ظاهر فریبی می‌آیند.»^{۷۴}

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است: «در فضای عمومی جامعه بارها مورد با تمسخر، توهین و حتا تهدید مواجه شده‌ام. به طور مثال، یک بار با چند نفر از افراد عادی با هم بودیم و در جریان صحبت پس از آن‌که فهمیدند من اسماعیلی هستم، یکی از آن‌ها گفت: شما مسلمان نیستید و باید کشته شوید.»^{۷۵}

اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که چنین برچسب‌هایی حتا در نهادهای اکادمیک نیز وجود دارد و برای تحقیر پیروان مذهب اسماعیلیه استفاده می‌شوند. چنانکه یک تن از مصاحبه‌شوندگان توضیح داده است:

”

«استادان مضمون ثقافت اسلامی هم در دوره جمهوریت و هم در زمان طالبان بارها از من پرسیدند که شما مراسمی دارید به نام «چراغ کشک» یعنی در جماعت‌خانه می‌روید، چراغ‌ها را خاموش می‌کنید و سپس مردان با زنان عمل غیر اخلاقی انجام می‌دهند، برای شان فرقی نمی‌کند که خواهرشان است، مادرشان است یا همسرشان. این سخنان بسیار زشت و آزاردهنده بود، بار اول بود که آن را می‌شنیدم، هرچه قسم می‌خوردم و تلاش می‌کردم به استادان توضیح بدهم که چنین چیزی نه تنها در جامعه اسماعیلیه که در هیچ فرهنگ دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد، قبول نمی‌کردند. به آن‌ها توضیح می‌دادم که نماز خواندن زنان و مردان در یک مکان به معنای رفتار غیر اخلاقی نیست بلکه حضور هم‌زمان زنان و مردان در چنین برنامه‌ها نشان‌دهنده نگاه انسانی جامعه اسماعیلیه است.»^{۷۶}

73 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۳، ۵ نوامبر ۲۰۲۵.

74 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵.

75 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۵، ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵.

76 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۶، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

در جریان چهار سال گذشته، طالبان نه تنها به مسئولیت خود برای جلوگیری از تبعیض مذهبی و پی‌گرد قانونی عاملان نفرت‌پراکنی علیه اسماعیلیان عمل نکرده، بلکه بر اساس گفته‌های شماری از مصاحبه‌شوندگان، خود در تشدید این وضعیت نقش داشته‌اند. تکفیر علنی، تبلیغات منفی و تحقیر و توهین شیعیان اسماعیلی که از یک طرف آزادی آن‌ها در اجرای مناسک و اعمال مذهبی را به شدت محدود کرده و از سوی دیگر موجب افزایش ناامنی روانی، ترس و انزوای اجتماعی آنان گردیده است، از شدیدترین اشکال نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود.⁷⁷

۳ - امتناع از خوردن غذای اسماعیلیان

داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که یکی دیگر از اشکال جدی تبعیض مذهبی علیه جامعه اسماعیلیه در افغانستان، تبلیغ به خودداری مردم از خوردن غذای تهیه شده توسط اعضای این جامعه می‌باشد. چنان‌که ۱۶ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق در جریان صحبت‌های خود اظهار داشته‌اند که تبلیغ در مورد حرام دانستن غذای اسماعیلیان و پرهیز از مصرف آن، به‌ویژه در چهار سال اخیر افزایش یافته است. هرچند به گفته آنان این باور سابقه‌ای طولانی داشته و از گذشته‌های دور تا امروز ادامه پیدا کرده است.

مصاحبه‌شوندگان هم‌چنان تأکید کرده‌اند که چنین نگرشی در حال حاضر هم در میان بخشی از مردم و هم در میان اعضای طالبان وجود دارد؛ امری که زمینه‌ساز گسترش رفتارهای تبعیض‌آمیز بیشتر علیه این اقلیت مذهبی شده است. یک مصاحبه‌شونده که خود به‌صورت مستقیم تجربه‌ی چنین رفتاری را دارد، این گونه روایت کرده است:

«... یک روز با یک تن از افراد طالبان به‌طور مشترک غذا می‌خوردیم او در جریان گفتگو اظهار کرد که اسماعیلیان کافر هستند. من پاسخ دادم که خودم اسماعیلیه هستم و مسلمانم. او همان لحظه از خوردن غذا دست کشید و دیگر حاضر نشد با من غذا بخورد.»⁷⁸

همین‌طور، مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در یکی از ولسوالی‌های ولایت کابل نیز اسماعیلیان زندگی می‌کنند، یکی از دوستانم از آن جا به من تعریف می‌کرد که آن‌ها همیشه مورد تحقیر و توهین دیگران قرار می‌گیرند، اسماعیلیان را غالی می‌نامند و می‌گویند از خانه‌های آنان نان نیاورید، نان آن‌ها را نخورید، چون نان شان حرام است.»⁷⁹

77 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸ و بند ۲ ماده ۲۰.

78 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵.

79 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، ۲ نوامبر ۲۰۲۵.

بر اساس آنچه مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند، مواردی نیز وجود دارد که سایر پیروان مذاهب اسلامی به رغم زندگی مشترک در یک محل با پیروان مذهب اسماعیلیه، هنوز از خوردن غذای آنان خودداری می‌کنند. در این مورد یک مصاحبه‌شونده چنین گفته است:

»خودم چنین تجربه‌ای نداشته‌ام، اما بستگان و همکیشان من در افغانستان، طی چهار دهه‌ی گذشته از طرف همسایگان خود پذیرفته نمی‌شدند و یا با آن‌ها غذا نمی‌خوردند، چون باور داشتند که ما کافریم.«⁸⁰

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

»در میان برخی از مردم دو باور جدی رواج دارد: نخست اینکه نانی که اسماعیلیان می‌پزند، حلال نیست و نباید خورده شود و دوم این که گفته می‌شود چون اسماعیلیان حمام نمی‌کنند و بدن خود را نمی‌شویند، بوی بد می‌دهند. وقتی چنین باورهایی از کودکی برای کسی گفته شود تا بزرگسالی این باور به الگوی ذهنی در او تبدیل می‌شود و اگر اسماعیلیان روز ده بار هم حمام کنند، بازهم ذهنیت او تغییر نخواهد کرد.«⁸¹

مصاحبه‌شونده دیگر در این مورد توضیح داده است که:

»تعدادی از جوانان محل پول جمع‌آوری کردند تا مکتب قریه را ترمیم کنند برای افتتاح آن برنامه بزرگی را تدارک دیدند و از مسئولان محلی طالبان در ولسوالی و ولایت دعوت کردند. مسئولان محلی طالبان از شهر پلخمری مرکز ولایت بغلان آمدند اما مدیر معارف ولسوالی و کارمندان آن که اکثریت شان از مردم محل می‌باشند، نه تنها در برنامه ما شرکت نکردند بلکه تبلیغ کردند که ما نمی‌آییم چون نان اسماعیلیان حرام است.«⁸²

حرام دانستن ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان

۱۲ تن از مجموع مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، گفته‌اند که یکی از برداشت‌های نادرست رایج در میان بخشی از جامعه، طالبان و گروه‌های بنیادگرای مذهبی این است که ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان را حرام تلقی می‌کنند. چنانکه یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفته است:

»اگر یک فرد اسماعیلی قصابی داشته باشد، کسی از او گوشت نمی‌خرد و می‌گوید که ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان حلال نیست. یک نفر در قریه ما قصابی دارد اما ذبح حیوانات توسط یک فرد سنی مذهب صورت می‌گیرد تا مردم از او گوشت بخرند.«⁸³

80 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵

81 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

82 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵.

83 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵.

”

همین طور، یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان اظهار داشته است:

«از سابق هم تعدادی تبلیغات می‌کردند و می‌گفتند که از رستوران‌ت اسماعیلیان غذا نخورید که آن‌ها در آن ادرار می‌کنند. هم‌چنین گفته می‌شد که ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان حرام است و نباید گوشت حیوانات ذبح شده توسط اسماعیلیان خورده شود.»⁸⁴

”

مصاحبه شونده دیگر روایت کرده است:

«متأسفانه در برخی مناطق و در سطح جامعه علیه اسماعیلیان تبعیض وجود دارد و در محل زندگی من، افرادی هستند که باور دارند اسماعیلیان مسلمان نیستند. به طور مثال اگر یک اسماعیلی گوسفندی را ذبح کند، گوشت آن را نمی‌خورند و ذبح حیوانات توسط اسماعیلیان را حلال نمی‌دانند.»⁸⁵

یک تن دیگر از مصاحبه شونده‌گان گفته است که طالبان به صورت علنی به این تبلیغ دامن می‌زنند و مردم را تشویق می‌کنند که از قصابی‌های شیعیان اسماعیلی گوشت خریداری نکنند:

”

«... یک سال پیش طالبان در ولسوالی کشم ولایت بدخشان اعلام کردند که از شیعیان اسماعیلی گوشت نخزند چون ذبح حیوانات توسط آن‌ها حلال و جایز نیست.»⁸⁶

تبلیغ درباره‌ی حرام دانستن غذای اسماعیلیان و امتناع از خوردن آن، نمونه‌ی آشکار تبعیض مبتنی بر مذهب و نقض حق کرامت انسانی آن‌ها به شمار می‌رود.⁸⁷ زیرا بر بنیاد یافته‌های این گزارش، ترویج چنین کلیشه‌ها و ذهنیت‌هایی به تشدید نفرت مذهبی، اعمال فشارهای روانی و به تبع آن انزوا و طرد اجتماعی اعضای این اقلیت مذهبی در چهار سال گذشته منجر شده است. با این وجود، طالبان نه تنها به وظیفه‌ی قانونی خود در پیشگیری از چنین رفتارهای تبعیض‌آمیز مذهبی توجه نکرده؛ بلکه به صورت مستقیم در بدتر ساختن این وضعیت نقش داشته اند.

۴- ممنوعیت ازدواج و پیوند خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی

ممنوعیت ازدواج و پیوند خویشاوندی با اقلیت‌های مذهبی، یکی از جدی‌ترین اشکال تبعیض مبتنی بر مذهب و نقض حقوق بشر به شمار می‌رود. زیرا اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق ازدواج و تشکیل خانواده را برای زنان و مردان مشروط به رضایت و تکمیل سن قانونی، فارغ از تعلقات مذهبی یا هر نوع تمایز دیگر، به رسمیت شناخته است.⁸⁸ با این حال ۱۱ نفر از مجموع مصاحبه شونده‌گان این تحقیق گفته‌اند که ممنوعیت ازدواج و برقراری پیوند خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی به طور چشمگیری افزایش یافته است. بر اساس اظهارات مصاحبه شونده‌گان، طالبان و روحانیون وابسته به آن‌ها به صورت علنی در مورد ممنوعیت خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی تبلیغ می‌کنند. یک مصاحبه شونده در این مورد چنین گفته است:

84 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۵، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵.

85 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵.

86 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

87 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲، ماده ۲۶، اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱.

88 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۳ و ماده ۲۶.

”

«جمعه خان فاتح و سایر افراد مانند مولوی اقرار چندین بار در مساجد اعلام کردند که هیچ کس حق ندارد با خانواده‌های اسماعیلیه دوستی و خویشاوندی داشته باشد. آن‌ها تأکید کردند که نکاح با مردان و زنان اسماعیلی حرام است، نه به آن‌ها دختر بدهید و نه از آن‌ها دختر بگیرید.»⁸⁹

”

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«یک عضو شورای علمای طالبان در ولایت بغلان در سخنرانی خود در یک مراسم تشیع جنازه گفت که هیچ نوع پیوند زناشویی اهل سنت با اهل تشیع جواز ندارد. او گفت که شیعیان دوازده امامی مشرک و رافضی و شیعیان اسماعیلی «دهری» هستند و حتا صحبت کردن درباره آن‌ها درست نیست. دهری یعنی که کسی که نه خدا را می‌شناسد و نه پیامبر را و نه اصول دین اسلام را.»⁹⁰

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان ضمن اشاره به تبلیغات علنی توسط طالبان برای ممنوعیت خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی، هم‌چنین بیان داشته است که در برخی موارد دختران اسماعیلی پس از ازدواج تحت فشار قرار می‌گیرند تا مذهب خود را تغییر بدهند:

”

«طالبان علناً می‌گویند که ازدواج مردان سنی مذهب با دختران اسماعیلیه مذهب و برعکس آن جواز ندارد. یک دختر اسماعیلی با مردی از اهل سنت ازدواج کرده بود و شوهرش بر او فشار وارد می‌کرد که باید مذهب‌اش را تغییر بدهد. اما وقتی دختر حاضر به این کار نشد، توسط شوهرش طلاق داده شد. با این دختر بسیار خشونت کرده بود حتی گرده‌اش را نیز کشیده و فروخته بودند.»⁹¹

یک مصاحبه‌شونده دیگر در مورد اجبار مردان اسماعیلی به تغییر مذهب پس از ازدواج با زنان اهل سنت، چنین گفته است:

”

«یک جوان اسماعیلی از قریه ما با یک دختر اهل سنت ازدواج کرده بود، طالبان بالای این جوان اسماعیلی کلمه خواند و نامش را هم تغییر داد. او را از رفتن به جماعت‌خانه منع نموده و گفته‌اند که باید به مسجد بروی و پنج وقت نماز بخوانی.»⁹²

مصاحبه‌شونده دیگر با بیان این که ممنوعیت خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی سابقه طولانی در افغانستان دارد، اظهار داشته است که:

”

«این مسأله پیش از طالبان و در بیست سال دوره ی جمهوریت هم وجود داشت، درست است که آن زمان طالبان در قدرت نبودند اما ذهنیت آن‌ها بر جامعه حاکم بود. به گونه‌ای

89 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

90 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

91 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵.

92 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

که ازدواج یک دختر اهل سنت با مرد اهل تشیع یا اسماعیلی ناروا و ممنوع تلقی می‌شد. اما بعد از بازگشت طالبان به قدرت، این مسأله به اوج خود رسیده است.⁹³

فسخ اجباری ازدواج مردان اسماعیلی با زنان اهل سنت

بر اساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، در مواردی حتا اداره امر به معروف و دادگاه‌های طالبان به فسخ ازدواج زنان حنفی مذهب با مردان اسماعیلی حکم کرده‌اند؛ وضعیتی که نشان‌دهنده مداخله مستقیم نهادهای دینی و قضایی طالبان در روابط خانوادگی و ارتکاب تبعیض بر مبنای تعلقات مذهبی است. یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین روایت کرده است:

«در ولایت بغلان، شش ماه قبل یک مرد اسماعیلی با یک دختر از پیروان اهل سنت نامزد شده بود. این نامزدی با اراده و رضایت هر دو طرف صورت گرفته بود؛ اما زمانی که اداره امر به معروف طالبان از این موضوع با خبر شد، نامزدی آن‌ها را فسخ نموده و مرد اسماعیلی را مورد تحقیر و توهین قرار دادند. ماموران اداره امر به معروف به او گفته بودند که رفتی درس خواندی و تحصیل کردی تا آدم شویی اما چهار پای شدی و به مذهبی اعتقاد داری که آتش پرستی و گاو پرستی نسبت به آن بهتر است و هندوها نسبت به تو بسیار شرف دارد. او را تهدید کرده بودند و تا زمان فسخ نامزدی، ماموران این اداره هر روز به خانه‌اش می‌رفتند.»⁹⁴

شماری از مصاحبه‌شوندگان به مواردی اشاره کرده‌اند که در آن دادگاه‌های طالبان به فسخ ازدواج مردان اسماعیلی با زنان اهل سنت حکم کرده‌اند. در این مورد یکی از این مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است که:

«وقتی طالبان از ازدواج یک دختر اهل سنت با یک مرد اسماعیلی آگاه شدند قضیه را به دادگاه ارجاع دادند و دادگاه مرکز ولایت بدخشان فیصله کرد که این ازدواج درست نیست و نکاح دختر سنی مذهب با پسر اسماعیلی جواز ندارد. البته این نوع موارد در گذشته هم وجود داشت، به این معنا که گفته می‌شد ازدواج دختر اهل سنت با پسر اسماعیلی جایز نیست، اما ازدواج مرد اهل سنت با دختر اسماعیلی مشکلی ندارد چون مرد بعدا می‌تواند بر دختر اعمال نفوذ نموده و او را به اسلام دعوت کند. بنابراین، این دیدگاه از گذشته و در دوره جمهوریت نیز به نحوی وجود داشت، اما اکنون که طالبان قدرت را در اختیار دارند و از آنجا که رسانه، پرسش‌گری و اعتراضی وجود ندارد، آن‌ها به صراحت می‌گویند که دختر سنی با پسر اسماعیلی حق ازدواج را ندارد.»⁹⁵

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«چند ماه قبل یک دختر اهل سنت با یک پسر اسماعیلی در ولایت بدخشان نامزد شد. تازه یک ماه از نامزدی‌شان گذشته بود که طالبان با خبر شدند و هر دو را به محکمه بردند. بر پسر فشار آوردند که یا مذهب‌اش را تغییر بدهد یا از ازدواج با این دختر منصرف شود، چون به گفته‌ی طالبان ازدواج یک دختر مسلمان با یک مرد شیعه اسماعیلی حرام است. هر دو

93 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، اکتبر ۲۰۲۵.

94 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

95 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، اکتبر ۲۰۲۵.

طرف تأکید کردند که این وصلت را می‌خواهند، اما طالبان قبول نکردند و گفتند شما به دل خودتان نیستید، این جا قوانین اسلامی حاکم است. وقتی پسر و دختر به فسخ نامزدی رضایت ندادند، هردو را به مدت یک ماه در زندان انداختند و طی این مدت پسر را آن قدر شکنجه کردند که او مجبور شد از مصارف خود بگذرد و به فسخ نامزدی اش رضایت بدهد. حالا هردو خانواده پسر و دختر تحت کنترل طالبان قرار دارند که باهم ارتباط نداشته باشند.»⁹⁶

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:
«چند وقت پیش یک مرد اسماعیلی با یک دختر اهل سنت ازدواج کرده بود، اما خانواده دختر به محکمه طالبان شکایت کرده بود که پسر چون شیعه اسماعیلی است لذا مسلمان نیست و ازدواج آن‌ها باید فسخ شود. محکمه هم به فسخ ازدواج حکم داد. در بسیاری موارد اگر کسی از شیعیان اسماعیلی به یک خانواده سنی مذهب خواستگاری می‌رود، خانواده‌های دختر باید از طالبان اجازه بگیرند.»⁹⁷

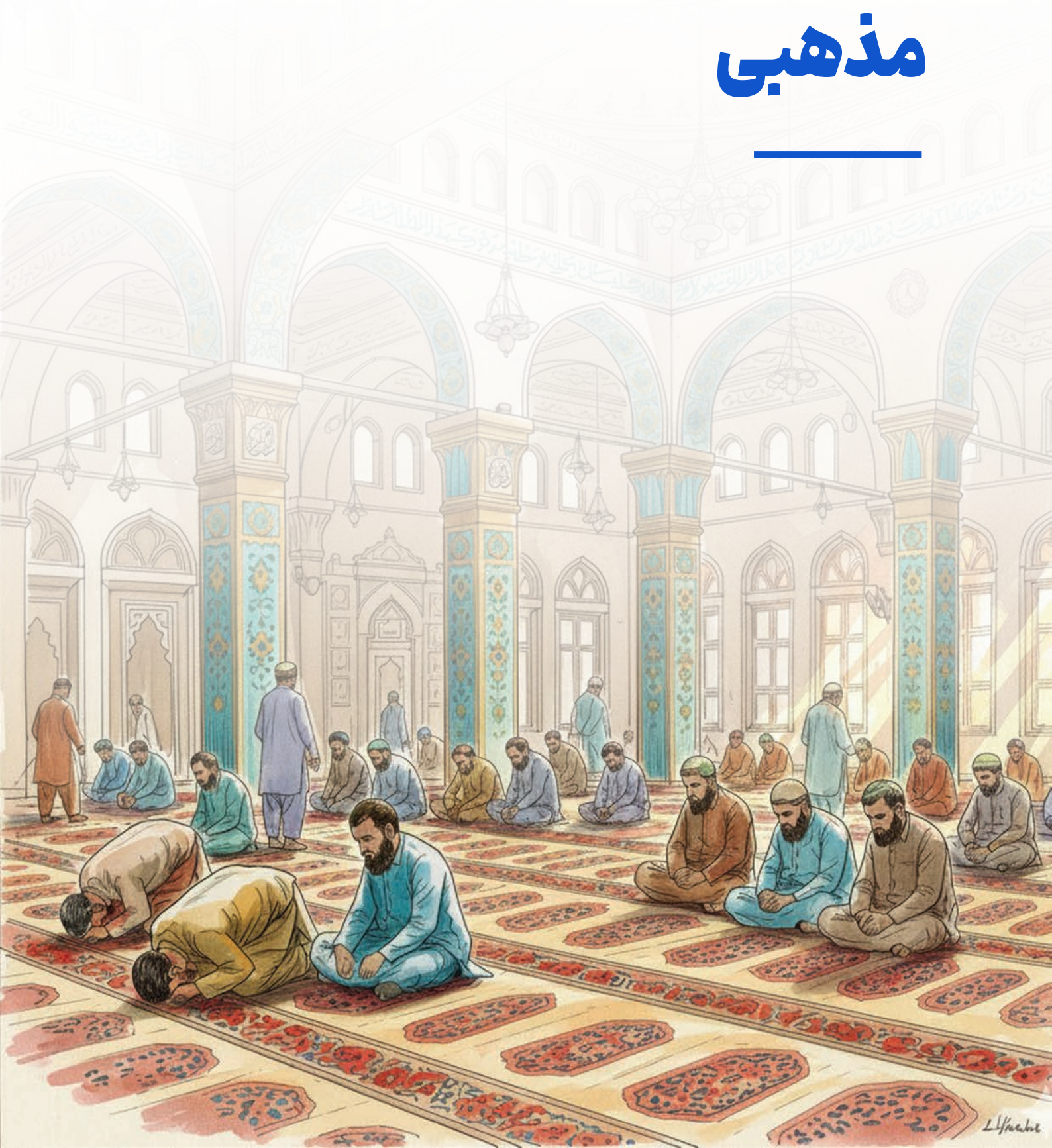
ممنوعیت ازدواج و پیوند خویشاوندی با خانواده‌های اسماعیلی، به رغم آن که نقض صریح حق ازدواج و تشکیل خانواده به‌شمار می‌رود، اما تنها محدود به حوزه روابط خانوادگی نیست بلکه در عمل به باز تولید و عمیق‌تر شدن تبعیض علیه این اقلیت مذهبی در سایر عرصه‌های اجتماعی نیز منجر شده است.

اطلاعات گردآوری‌شده نشان می‌دهد که طالبان نه تنها به وظایف قانونی خود برای مبارزه با چنین کلیشه‌های تبعیض‌آمیز عمل نکرده، بلکه از طریق نهادهای قضایی خود در موارد متعدد به فسخ ازدواج مردان اسماعیلی با زنان اهل سنت اقدام کرده‌اند؛ امری که به صورت آشکار در مغایرت با اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده و نقض صریح اصل برابری و عدم تبعیض بر مبنای مذهب و جنسیت محسوب می‌شود.

96 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵.

97 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵.

آزادی اجرای مناسک مذهبی



در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است در کشورهایی که اقلیت‌های مذهبی وجود دارند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نباید از حق بهره‌مندی از فرهنگ و ابراز و انجام فرایض دینی محروم کرد.^{۹۸} هم‌چنین در ماده ۱۸ این میثاق تأکید شده است که آزادی ابراز مذهب یا معتقدات چه به‌طور فردی، یا جمعی و چه به‌صورت علنی یا در خفا حق همه افراد می‌باشد. این حق شامل اجرای عبادات، برگزاری مراسم و مناسک مذهبی و ارائه تعلیمات و آموزش‌های مذهبی می‌باشد.^{۹۹}

با این وجود، ۲۲ نفر از مجموع مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که در جریان چهار سال گذشته و پس از روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، آزادی اجرای مناسک مذهبی اسماعیلیان به شدت محدود شده است. بر اساس اظهارات آنان، طالبان محدودیت‌های گسترده و سختگیرانه‌ی را بر برگزاری مراسم فرهنگی و مذهبی این جامعه وضع و اعمال کرده‌اند. اطلاعات بدست‌آمده هم‌چنان نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها در شهر کابل در مقایسه با سایر ولایت‌ها به‌ویژه بدخشان و بغلان، کمتر گزارش شده است.

با این وجود، یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره محدود شدن آزادی اجرای مناسک و آیین‌های مذهبی شیعیان اسماعیلی چنین روایت کرده است:

»در زمان حکومت پیشین، در امتداد دریای آمو و در ولسوالی‌های دروازاها که ساکنان آن عمدتاً اسماعیلی هستند، سالگرد تخت نشینی امام اسماعیلیان با شکوه بسیار و با حضور گسترده پیروان این مذهب از هر دوی سوی مرز تجلیل می‌شد. هم‌چنین، از این مناسبت در جماعت‌خانه‌ها، هتل‌ها و دیگر مناطق اسماعیلی نشین و در مرکز شهر ولایت بدخشان نیز با حضور مقامات دولتی و پیروان مذاهب مختلف گرمی داشت به عمل می‌آمد. اما پس از تسلط طالبان، دیگر کسی جرات انجام چنین مراسمی را ندارد و مردم نمی‌توانند آن را حتی در سطح جماعت‌خانه‌ها یا حلقات کوچک و بزرگ به‌طور آزادانه برگزار کنند.«^{۱۰۰}

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد تبعات ناشی از محدودیت‌های وضع شده و ترس پیروان مذهب اسماعیلیه از برگزاری علنی مراسم مذهبی خود گفته است:

»در جایی که ما زندگی می‌کردیم، به دلیل ترس از طالبان مراسم مذهبی خود را به‌صورت مخفیانه برگزار می‌کردیم و هیچ کسی جز خود ما از آن خبر نداشت. به جماعت‌خانه می‌رفتیم، اما پنهانی، به گونه‌ای کسی متوجه نمی‌شد برای عبادت می‌رویم. در روزهای اخیر و قبل از ترک محل زندگی‌ام، حتی به جماعت‌خانه هم رفته نمی‌توانستیم. البته در جاهایی که جمعیت اسماعیلیان بیشتر است این محدودیت‌ها کمتر می‌باشد.«^{۱۰۱}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد ممنوعیت برگزاری جشن‌های فرهنگی و مذهبی شیعیان اسماعیلی چنین اظهار داشته است:

98 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۵.

99 . همان، ماده ۱۸.

100 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

101 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

”

«در ولسوالی زیباک ولایت بدخشان زیارتگاه دیوانه شاه یکی از اماکن مذهبی و مورد احترام اسماعیلیان بود که در ۱۴ حوت هر سال مردم با ذبح گاو و تهیه غذای محلی، جشن با شکوهی را موسوم به «نوروز دیوانه شاه»، همراه با موسیقی، آوازخوانی، رقص، نشان زنی، بزکشی، مسابقه دوش و اسب‌دوانی برگزار می‌کردند. بعد از ختم جشن تمام دهاقین محل می‌رفتند پیش متولی زیارت و او به همه دعا می‌کرد، سپس مردم از پانزدهم حوت کشاورزی و دهقانی خود را آغاز می‌کردند. وقتی طالبان آمدند این مراسم را ممنوع اعلام کردند... همین چند روز پیش افراد ناشناس این زیارتگاه را که یک آبده تاریخی نیز به شمار می‌رفت، به آتش کشیدند و بخش‌های زیادی از آن در آتش سوخت. البته در جریان جنگ‌های داخلی نیز این زیارت چندین بار کندن کاری شده بود.»¹⁰²

شماری از مصاحبه‌شوندگان به مواردی نیز اشاره کرده‌اند که طالبان اجازه برگزاری برنامه‌ها و مراسم مذهبی اسماعیلیان را نداده‌اند. در این مورد یک تن از مصاحبه‌شوندگان گفته است که:

”

«در اوایل سال ۲۰۲۲ وقتی که اسماعیلیان می‌خواستند مراسم و جشن‌های مذهبی خود را برگزار کنند، به حوزه‌های امنیتی نزدیک به جماعت‌خانه‌ها مراجعه کرده و برای برگزاری آن اجازه خواسته بودند. آن‌ها حتا تعهد داده بودند که زنان حجاب را رعایت می‌کنند، با مردان یک‌جا حضور نخواهند داشت و دروازه‌های ورودی جداگانه برای زنان و مردان در نظر می‌گیرند. با این وجود، طالبان نپذیرفتند و ادعا کردند که شما در این برنامه‌ها در مورد برابری زنان و مردان، دموکراسی، آزادی و چیزهای گمراه‌کننده صحبت می‌کنید.»¹⁰³

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درباره ایجاد مزاحمت در برگزاری مراسم عبادی و مذهبی اسماعیلیان گفته است:

«پس از آن‌که طالبان به قدرت رسیدند، در ولسوالی دهنه غوری ولایت بغلان به یک عبادتگاه اسماعیلیان رفتند، از مردم فیلم‌برداری کردند، مزاحمت ایجاد نمودند و گفتند که این‌ها چه قسم عبادت می‌کنند.»¹⁰⁴

”

با این حال، شماری از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که محدودیت در برگزاری مراسم مذهبی در شهر کابل کمتر است. در این باره یک مصاحبه‌شونده چنین روایت کرده است: «در شهر کابل برای برگزاری مراسم مذهبی کدام محدودیتی وجود ندارد و در روزهای که برنامه داریم حتا نیروهای طالبان امنیت اماکن مذهبی ما را می‌گیرند. در قریه‌ها نیز مردم به جماعت‌خانه‌ها می‌روند و عبادت می‌کنند اما خارج از این محلات به خاطر برگزاری مراسم مذهبی با تبعیض مواجه می‌شویم.»¹⁰⁵

102 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵.

103 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، نوامبر، ۲۰۲۵.

104 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، ۲ نوامبر ۲۰۲۵.

105 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۷ اکتبر ۲۰۲۵.

«خوشبختانه در ولایت کابل زنان و مردان اسماعیلی می‌توانند در جماعت‌خانه‌ها حتی به صورت مختلط عبادت کنند. صبح و شام زنان و مردان ما به جماعت‌خانه‌ها می‌روند و در این مورد طالبان تا حالا اجازه داده‌اند... اما از نظر آموزش مذهبی محدودیت‌های شدیدی وضع کرده‌اند که موجب نگرانی ما شده است.»¹⁰⁶

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، اعمال محدودیت بر آزادی اجرای مناسک و اعمال مذهبی اسماعیلیان، به‌ویژه در ولایت‌های بدخشان و بغلان نه به عنوان یک رویداد تصادفی، بلکه به عنوان بخشی از سیاست هدفمند طالبان برای سرکوب باورها و افکار مذهبی متفاوت می‌باشد. این محدودیت‌ها بر اساس مقررات مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که آزادی اجرای مناسک مذهبی و حق بهره‌مندی از فرهنگ و آموزش‌های مذهبی را برای همه افراد تضمین کرده است¹⁰⁷، مخالف تعهدات بین‌المللی و نقض حقوق بشر تلقی می‌گردد.

اجبار به شرکت در مراسم عبادی دیگران

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت تأکید کرده است که هیچ‌کس نباید تحت اجبار یا فشار برای انجام اعمال عبادی و مذهبی بر خلاف باورها و اعتقاد خود قرار گیرد.¹⁰⁸ بنابراین، هرگونه وادارسازی اعم از تهدید، اجبار، فشار اجتماعی یا سوءاستفاده از قدرت سیاسی و نظامی برای حضور در مراسم مذهبی دیگران مصداق صریح تبعیض مذهبی و کرامت انسانی افراد به‌شمار می‌رود.¹⁰⁹

با این وجود، داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طالبان و به‌خصوص اداره امر به معروف آن‌ها با توسل به زور و تهدید، پیروان مذهب اسماعیلی را در برخی ولایت‌ها مجبور به انجام مراسم مذهبی و عبادی دیگران کرده‌اند. چنان‌که ۷ تن از مجموع مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در جریان چهار سال گذشته شخصاً تجربه اجبار به شرکت در مراسم عبادی و مذهبی دیگران را داشته و نیز ۹ نفر دیگر در مورد افرادی که مجبور به انجام چنین کاری شده صحبت کرده‌اند.

«یک روز در ولایت بغلان یک تن از ماموران امر به معروف به من گفت که وقت نماز عصر است و باید به جماعت برویی، اما من پاسخ دادم که اهل تشیع و اسماعیلیه هستیم و ما نماز خود را پسانتر می‌خوانیم. او پافشاری کرد که باید همین حالا به نماز جماعت برویی، من استدلال کردم که احکام مذهبی ما متفاوت است اما او قبول نمی‌کرد. بالاخره به خشونت و پرخاش‌گری متوسل شد، من مقاومت کردم و پس از سر و صدای زیاد، مردم جمع شدند و من همان لحظه ساحه را ترک نمودم.»¹¹⁰

106 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵.

107 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸ و ماده ۲۷.

108 . همان، ماده ۱۸.

109 . همان، ماده ۲۶.

110 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است که طالبان در برخی مناطق پیروان مذهب اسماعیلی را تحت فشار قرار می‌دهند تا مناسک دینی را مطابق با فقه حنفی انجام دهند. او توضیح داده است که:

«... در ولایت بدخشان به دلیل محدودیت‌های که وضع کرده‌اند اسماعیلیان نمی‌توانند آزادانه مراسم و مناسک مذهبی خود را اجرا کنند. آن‌ها باید به مسجد بروند و مانند پیروان مذهب حنفی پنج وقت نماز بخوانند... با روش سنی‌ها روزه بگیرند و عشر و زکات پرداخت کنند. تمام این موارد در مذهب اسماعیلیه هم است اما با روش‌های متفاوت. البته طالبان به اسماعیلیه‌ها نمی‌گویند که به جماعت‌خانه نروند؛ اما می‌گویند که باید به مسجد بیایند و پشت سر ما پنج وقت نماز بخوانند، بعد اختیار دارند که بیشتر از این پنج وقت به جماعت‌خانه هم می‌روند یا خیر.»¹¹¹

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در ولسوالی زیباک ولایت بدخشان ماموران امر به معروف صبح زود به خانه‌های اسماعیلیان می‌روند، دروازه‌های شان را تک تک می‌کنند و مردانی را که هنگام نماز به مسجد نرفته باشند در آب سرد تر می‌کنند. من یک شب خانه یکی از بستگانم مهمان بودم، صبح زود ماموران امر به معروف طالبان دروازه را تک تک کردند، خاله‌ام دروازه را باز کرد و به آن‌ها گفت که پسرش به نماز رفته است. چند دقیقه بعد متوجه شدیم که صدای فریاد و التماس مرد همسایه بلند شده که به طالبان می‌گفت، شب کار بوده و به خاطر خستگی زیاد صبح زود نتوانسته به نماز جماعت برود. اما طالبان او را بردند داخل آب سرد انداختند و می‌پرسیدند که چه کسانی دیگر از مردان به نماز جماعت نرفته است.»¹¹²

علاوه بر این، شماری از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که طالبان در برخی از مناطق روحانیونی از مذهب سنی را در عبادتگاه‌های شیعیان اسماعیلی منصوب کرده‌اند تا نماز و سایر آیین‌های عبادی را مطابق با فقه حنفی برای آنان برگزار کنند. در این مورد یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین روایت کرده است:

«قبلاً ما نماز عید و نماز جمعه را به طور جداگانه و بر اساس احکام مذهبی خود برگزار می‌کردیم، اما فعلاً طالبان یک امام سنی مذهب معرفی کرده و او برای ما نماز می‌خواند. تمامی باشندگان محل و نمازگزاران اسماعیلی هستند، اما ملا امام سنی مذهب است. هم‌چنین، در مساجد مربوط به قریه‌های «خیلر»، «وادو توبی بالا و پائین» و «قلعه بندی» که توسط اسماعیلیان ساخته شده بود فعلاً نمازها بر اساس روش مذهب حنفی برگزار می‌شود.»¹¹³

اجبار شیعیان اسماعیلی به اجرای مناسک و اعمال مذهبی برخلاف باورها و اعتقادات‌شان، که بخشی از تبعیض مذهبی و سیاست‌های سرکوب‌گرانه طالبان می‌باشد، مطابق با اسناد الزام آور بین‌المللی، از شدیدترین مصادیق نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود.¹¹⁴ زیرا اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که

111. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

112. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵.

113. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵.

114. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸ و ماده ۲۶.

طالبان برخلاف وظایف قانونی خود، با سوءاستفاده از قدرت و از طریق تهدید، اجبار و فشار اجتماعی، پیروان مذهب اسماعیلیه را وادار به اجرای اعمال عبادی مخالف باورهای مذهبی شان کرده‌اند.

اعمال محدودیت بر نهادهای آموزشی و اماکن عبادی

کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید کرده است که آزادی ایجاد مراکز آموزشی یا مدارس مذهبی، بخش جدایی‌ناپذیر حق آزادی مذهبی به‌شمار می‌رود و به همین دلیل دولت‌ها موظف‌اند که برای حفاظت مؤثر از این مراکز، تدابیر و اقدامات لازم را اجرا نمایند.^{۱۱۵} با این وجود، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که ۲۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که پس از بازگشت طالبان به قدرت، محدودیت‌های گسترده‌ی بر مراکز آموزشی و عبادتگاه‌های اسماعیلیان اعمال شده است. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، این محدودیت‌ها شامل، مسدود کردن برخی از مراکز عبادی، تبدیل کردن عبادتگاه‌های اسماعیلیان به اماکن عبادی اهل سنت، ایجاد فضای ترس و کنترل رفت و آمد مردم به مراکز آموزشی و مذهبی می‌باشند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در مورد مسدود شدن اماکن عبادی شیعیان اسماعیلی چنین گفته است:

«هر چند جماعت‌خانه در ولایت بغلان هنوز فعال است اما من حداقل از دو مرکز دعاخوانی اسماعیلیان در این ولایت اطلاع دارم که طالبان آن‌ها را به مسجد تبدیل کرده و اکنون به پیروان مذهب اسماعیلیه اجازه‌ی دسترسی نمی‌دهند. این مراکز در واقع اتاق‌ها یا ساختمان‌های وابسته به مساجد سابق بودند که برای اجرای مسایل عبادی در مناطقی که جمعیت اسماعیلیه‌ها کمتر است ایجاد شده بودند. اداره امر بر معروف طالبان بر این مراکز بلندگو نصب نموده و برای آن‌ها ملا امام تعیین کرده است. طالبان در توجیه این اقدام خود ادعا کرده‌اند که این مراکز قبلاً مسجد بوده و در طول بیست سال گذشته استفاده درست و شرعی از آن‌ها صورت نگرفته است. اقدام طالبان در مورد این مراکز که بیشتر از ۲۰ سال به عنوان عبادتگاه‌های اسماعیلیان مورد استفاده قرار می‌گرفت، پیامدهای جدی روانی بر اعضای این اقلیت مذهبی به همراه داشته است.»^{۱۱۶}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفته است:

«این بسیار واضح است که طالبان آزادی مذهبی را از ما سلب کرده‌اند. مردم اسماعیلیه عبادتگاهی به نام جماعت‌خانه دارند در آن که مردان زنان در کنار هم عبادت می‌کنند؛ اما در حال حاضر نمی‌توانند آزادانه از این عبادتگاه‌ها استفاده کنند. چون طالبان این مراکز را کنترل می‌کنند و می‌گویند که ما نمی‌خواهیم که زنان و مردان یکجا و در یک مکان به صورت مشترک عبادت کنند.»^{۱۱۷}

۱۱۵ . تفسیر عمومی شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، بند ۶.

۱۱۶ . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

۱۱۷ . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۱ نوامبر ۲۰۲۵.

در حالی که طالبان از آگست ۲۰۲۱ تا سپتامبر ۲۰۲۴ بیش از ۲۱۰۰۰ باب مدرسه دینی در سراسر افغانستان اعمار کرده‌اند¹¹⁸ اما برای پیروان مذهب اسماعیلیه اجازه‌ی ایجاد چنین مراکزی را نمی‌دهند. در این مورد یک مصاحبه‌شونده گفته است:

«زمانی که تعدادی از بزرگان اسماعیلی به حوزه مربوطه در شهر کابل مراجعه کردند و درخواست دادند که می‌خواهند یک جماعت‌خانه بسازند، مسئولان حوزه برای شان گفتند که بروید امضا جمع کنید و سپس به حوزه بیاورید، تا ما آن را تأیید کنیم. تقریباً ۱۹۰۰ امضا از همان منطقه جمع‌آوری و به حوزه تسلیم داده شد، اما مسئولان حوزه قبول نکردند و گفتند اطلاعات ما در مورد شما کم بود، عبادتگاه شما منبر ندارد و هم‌چنین زن و مرد یک‌جا عبادت می‌کنید. ما اجازه‌ی چنین کاری را به شما نمی‌دهیم.»¹¹⁹

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است:

«در روستای ما یک جماعت‌خانه وجود دارد که مردم اجازه ندارند برای عبادت به آن‌جا بروند چون از دو سال پیش بدین‌سو، طالبان از آن به عنوان مهمان‌خانه و محل برگزاری برنامه‌های رسمی خود استفاده می‌کنند. مثلاً اگر از جایی برای شان مهمان بیاید در آنجا می‌برند یا برای برنامه‌های صحبت و سخنرانی خود از این جماعت‌خانه استفاده می‌کنند. به همین دلیل اسماعیلیان اجازه‌ی استفاده از آن را ندارند.»¹²⁰

غیراسلامی خواندن عبادتگاه‌های اسماعیلیان

۴ تن از مصاحبه‌شوندگان در جریان گفتگوی خود اظهار کرده‌اند که طالبان مراکز مذهبی و عبادتگاه‌های اسماعیلیان را جز اماکن مقدس اسلامی محسوب نمی‌کنند. چنان‌که یک تن از این مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«اخیراً محکمه طالبان در ولایت بغلان در یک قرار قضایی گفته است که اماکن مذهبی اسماعیلیان جزو اماکن مقدس اسلامی محسوب نمی‌شوند. علاوه‌براین، تعدادی از افراد محلی افراطی نیز بارها به‌صورت علنی تهدید کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که مراکز عبادی اسماعیلیان غیراسلامی است؛ چون زنان و مردان به‌صورت مشترک در آن عبادت می‌کنند.»¹²¹

مصاحبه‌شونده دیگر در همین مورد روایت کرده است:

«در ولایت بغلان میان پیروان مذهب اسماعیلیه و اهل سنت بر سر مالکیت یک باب مسجد اختلاف به وجود آمد. این مسجد حدود ۲۰ یا ۲۵ سال پیش توسط اسماعیلیان ساخته شده بود و در دوران جمهوریت نیز در اختیار آنان قرار داشت. اما پس از بازگشت طالبان به قدرت، شماری از پیروان اهل سنت به طالبان شکایت کردند و ادعا نمودند که اسماعیلیان اهل مسجد نیستند و این مکان باید به آنان واگذار شود. در ماه قوس سال گذشته دادگاه

118 . رواداری، «محرومیت و تبعیض: وضعیت دسترسی دختران و زنان به آموزش در افغانستان»، (نوامبر ۲۰۲۴) ص ۳۵، https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/01/RW_AccessToEducation_2024_Dari.pdf

119 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵.

120 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۳، ۵ نوامبر ۲۰۲۵.

121 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵.

طالبان به نفع پیروان اهل سنت فیصله کرد. من خودم این فیصله را دیده‌ام و در آن آمده است که عبادتگاه‌های اسماعیلیان جزو عبادتگاه مسلمانان محسوب نمی‌شود و مسجد باید به اهل سنت سپرده شود. در این فیصله جماعت‌خانه‌های اسماعیلیان معادل بت‌خانه‌ها، کلیساها و اماکن غیر اسلامی توصیف شده است.¹²²

محدودیت‌های اعمال شده بر مراکز مذهبی اسماعیلیان، در جریان چهار سال گذشته، از طریق مجموعه‌ای از اقدامات شامل جلوگیری از ایجاد عبادتگاه‌های جدید، ممنوعیت حضور زنان در این مراکز و در برخی موارد تعطیل کردن مراکز قبلی صورت گرفته است؛ امری که مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق بشری و به‌ویژه مفاد ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نقض آزادی مذهبی به‌شمار می‌رود.¹²³ زیرا حفاظت مؤثر از مدارس و مراکز آموزشی اقلیت‌ها بخشی از وظایف قانونی دولت‌ها می‌باشد و طالبان طی چهار سال گذشته به این وظیفه‌ی خود عمل نکرده‌اند.

اجبار به تغییر مذهب و آموزش فقه حنفی

بر اساس تفسیر عمومی کمیته حقوق بشر در مورد ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها باید حق والدین در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق با معتقدات خودشان را محترم بشمارند. آموزش عمومی‌ای که شامل تدریس یک مذهب یا عقیده خاص و خلاف خواست والدین و سرپرستان قانونی کودکان باشد، ممنوع است.¹²⁴ افزون بر این، دولت‌ها موظف به احترام به آزادی والدین و سرپرستان قانونی کودکان هستند تا مطمئن شوند که تعلیم و تربیت مذهبی و اخلاقی فرزندان شان مطابق با اعتقادات خودشان تأمین شود.¹²⁵

از سوی دیگر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است که هیچ‌کس نباید در معرض اجباری قرار گیرد که به آزادی او از جمله در داشتن مذهب یا باور مورد انتخاب خودش لطمه وارد کند.¹²⁶ کمیته حقوق بشر به‌طور صریح تأکید می‌کند که اجبار به تغییر مذهب چه مستقیم یا غیرمستقیم نقض جدی آزادی مذهبی می‌باشد و هیچ دولتی نمی‌تواند به سیاستی متوسل شود که هدف آن تغییر اجباری مذهب افراد یا گروه‌ها باشد.¹²⁷

از سوی دیگر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک با تضمین آزادی فکر، وجدان و مذهب برای همه کودکان و با به‌رسمیت شناختن حق والد در آموزش کودکان بر اساس اعتقاداتشان، هم‌چنین تأکید کرده است در کشورهایی که اقلیت‌های مذهبی زندگی می‌کنند، کودکان متعلق به این گونه اقلیت‌ها حق دارند از فرهنگ و مذهب خود برخوردار باشند و آزادانه به آن عمل کنند.¹²⁸

122 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

123 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸.

124 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۴ ماده ۱۸.

125 . تفسیر عمومی شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر، بند ۷.

126 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۱۸.

127 . تفسیر عمومی شماره ۲۲، کمیته حقوق بشر، بند ۵.

128 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، (۲۰ نوامبر ۱۹۸۹)، ماده ۱۴ و ماده ۳۰.

با این وجود، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طالبان به صورت سازمان یافته و هدفمند، به آموزش اجباری فقه حنفی و ترویج ایدئولوژی خود در میان کودکان اسماعیلی و نیز اجبار اعضای این اقلیت مذهبی به ترک باورها و پذیرش مذهب سنی اقدام کرده‌اند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده است که بین ۱۷ جنوری تا ۳ فبروری ۲۰۲۵، مقامات محلی اداره حاکم از جمله اداره امر به معروف آن‌ها در ولایت بدخشان، دست کم ۵۰ مرد از اعضای جامعه اسماعیلیه را مجبور به گرویدن به مذهب سنی کرده‌اند. بر اساس، کسانی که از تغییر مذهب امتناع ورزیده‌اند، مورد ضرب و شتم و تهدید به مرگ قرار گرفته‌اند.¹²⁹

هم‌چنین، سازمان عفو بین‌الملل، در گزارش سالانه ۲۰۲۵، گفته است که شواهدی موجود نشان می‌دهد که طالبان اعضای جامعه اسلامی شیعه را وادار به تغییر مذهب و پیوستن به شاخه‌ی سنی اسلام می‌کنند.¹³⁰

الف- آموزش اجباری فقه حنفی به کودکان اسماعیلی

۲۴ تن از مصاحبه‌شونده این تحقیق به اقدامات هدفمند و سازمان یافته طالبان برای اجبار یا تشویق کودکان پسر خانواده‌های اسماعیلی به یادگیری فقه حنفی عمدتاً در ولایت بدخشان اشاره کرده‌اند. در این میان ۱۲ نفر آن‌ها گفته‌اند که خانواده‌هایی را می‌شناسند که مجبور به چنین کاری شده‌اند. ۹ نفر دیگر گفته که کودکانی از میان اقارب و بستگان شان به اجبار به مدارس دینی طالبان برده شده و نیز ۵ نفر دیگر اظهار داشته که با تعدادی از اعضای خانواده این کودکان به صورت مستقیم صحبت کرده‌اند.

بخش عمده‌ی این اقدامات توسط مسئولان محلی و اداره امر به معروف طالبان در ولایت بدخشان و عمدتاً در ولسوالی‌های دروازاها متمرکز بوده است. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، جمعه خان فاتح در پنج ولسوالی شکی، مایمی، نسی، کوف و خواهان مدارس دینی ایجاد کرده و هر مدرسه را از درآمد حاصل از معادن طلا به صورت شخصی تمویل می‌کند. اداره امر به معروف در ولسوالی‌های شغنان و اشکاشم و همین‌طور دو تن دیگر از فرماندهان طالبان در ولسوالی وردوج مدارس دینی ایجاد کرده‌اند.

در این مورد، هیأت معاونت سازمان ملل متحد در گزارشی گفته است که مقامات اداره حاکم در مناطقی با جمعیت اسماعیلیه نشین ولایت بدخشان، چندین مدرسه دینی تأسیس نموده و از کودکان اسماعیلی خواسته‌اند که برای دریافت آموزش‌های دینی مبتنی بر مذهب سنی، در این مدارس ثبت نام کنند.¹³¹

بر اساس معلومات مصاحبه‌شوندگان طالبان متناسب با ظرفیت این مدارس، کودکان اسماعیلی را جذب و تدریس می‌کنند، چنان‌که در برخی از ولسوالی‌ها از هر خانواده اسماعیلی یک کودک و در تعدادی از ولسوالی‌های دیگر به هر اندازه‌ی که بتوانند جذب می‌کنند.

129 هیأت معاونت سازمان ملل متحد، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جنوری-مارچ ۲۰۲۵، ص ۶. https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_human_rights-.pdf

130 . سازمان عفو بین‌الملل، وضعیت جهانی حقوق بشر، اپریل ۲۰۲۵، <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan>

131 هیأت معاونت سازمان ملل متحد، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جنوری-مارچ ۲۰۲۵، ص ۶. https://unama.unmissions.org/sites/default/files/dari_-_unama_hrs_update_on_human_rights-.pdf

”

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد چنین روایت کرده است:

«طالبان در مراکز ولسوالی‌های اسماعیلی‌نشین در ولایت بدخشان مدارس دینی ایجاد نموده و روستاها را برای حضور اجباری کودکان سهمیه بندی کرده‌اند. آن‌ها کودکان اسماعیلی را به این مدارس می‌برند و برای شان فقه حنفی را تدریس می‌کنند. هم‌چنین، برای هر مسجد امام تعیین نموده و در داخل این مساجد صنف‌های تدریس فقه حنفی راه اندازی کرده‌اند. امامانی که این صنف‌ها را پیش می‌برند، به صورت ماهوار از سوی طالبان معاش دریافت می‌کنند. در این مورد، یک طالب در ولسوالی شغنان در یک پیام صوتی که به اداره امر به معروف ارسال کرده، گفته است که اسماعیلیان کافر هستند و باید مسلمان شوند. ما در ایجاد مدارس با مشکل مواجه هستیم، تمام توان ما ایجاد یک مدرسه بوده است. اگر شما همکاری و امکانات فراهم کنید، ما می‌توانیم مدارس بیشتری ایجاد کنیم و افراد بیشتری از پیروان این مذهب را مسلمان سازیم.»¹³²

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر گفته است که هر خانواده اسماعیلی در ولسوالی نسی ولایت بدخشان، مجبور است که یک پسر خود را به مدرسه دینی طالبان بفرستند:

”

«در مدرسه‌ای که جمعه خان فاتح در ولسوالی نسی ایجاد کرده است، از هر خانواده اسماعیلی خواسته که حداقل یک کودک خود را برای آموزش فقه حنفی به آنجا بفرستند.»¹³³

”

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«... آن‌ها در آغاز تلاش می‌کردند که کودکان پسر بالاتر از ۱۴ سال را به این مدارس ببرند اما بعداً متوجه شدند که این کار نتیجه‌ای ندارد. حالا تصمیم گرفته‌اند که کودکان خردسال را به مدارس ببرند و آموزش بدهند و از این طریق مذهب آن‌ها را تغییر بدهند.»¹³⁴

در شهر کابل نیز بر اساس آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند، تلاش‌های برای آموزش فقه حنفی به کودکان اسماعیلی وجود دارد. در این باره یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین روایت کرده است:

”

«در کابل مولوی‌ها به خانه‌های اسماعیلیان رفته و از آن‌ها خواستند که فرزندان‌شان را به مساجد بفرستند تا آموزش ببینند. اعضای این خانواده‌ها به طالبان گفتند که ما اسماعیلی هستیم و مذهب ما متفاوت است؛ اما آن‌ها پاسخ دادند که شما پشت این حرفا نگرديد، چیزی را که ما به شما می‌گوییم باید انجام بدهید. فعلاً کودکان مجبور هستند که به مساجد بروند. من دو- سه کودک را می‌شناسم که حدود هشت تا نه سال سن دارد و در این مدارس آموزش می‌بینند.»¹³⁵

132 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲ اکتبر ۲۰۲۵

133 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

134 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵

135 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ نوامبر ۲۰۲۵

۱- تهدید، شکنجه و جریمه نقدی

همان گونه که پیش تر گفته شد، طالبان در ولایت بدخشان از طریق اجبار، تهدید و ارباب، کودکان پسر از خانواده های اسماعیلی را به مدارس دینی تحت کنترل خود می برند و به آن ها فقه حنفی را تدریس می کنند. بر اساس یافته های این تحقیق، طالبان در مواردی که خانواده ها با فرستادن کودکان شان به مدارس اهل سنت موافقت نکرده و یا خواستار بیرون کردن آنان از این مدارس شده، جریمه نقدی تا ۲۰۰ هزار افغانی وضع کرده اند. هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، نیز در گزارشی گفته است که خانواده های اسماعیلی که فرزندان خود را به مدارس اهل سنت ثبت نام نکنند با جریمه ای از ۲۰ هزار تا ۱۰۰ هزار مواجه خواهند شد.¹³⁶

هم چنین، طالبان به خانواده های اسماعیلی در بدخشان هشدار داده اند که در صورت فرار کودکان از مدارس و یا ناتمام گذاشتن درس ها، خانه و دارایی شان را به آتش خواهند کشید و اعضای خانواده های شان را به قتل خواهند رساند. افزون بر این، در مواردی که بزرگان اسماعیلی در برابر انتقال فرزندان شان به مدارس دینی طالبان مقاومت کرده، مورد بازداشت و شکنجه قرار گرفته اند.

یک تن از مصاحبه شوندگان در این مورد گفته است:

«من دانش آموزانی را می شناسم که طالبان آن ها را به زور به مدرسه برده بودند، اما آن ها فرار کردند و به خانه من پناه آوردند. این دانش آموزان از پیروان مذهب اسماعیلیه و تشیع دوازده امامی بودن. طالبان پس از فرار آنان با والدین شان تماس گرفتند و تهدید کردند که اگر فرزندان شان دوباره به مدرسه نیایند، خانه های شان را به آتش خواهند کشید و برادران شان را خواهند کشت. آن ها مجبور شدند دوباره به مدرسه بروند. طالبان از تمام خانواده ها تعهد می گیرند که فرزندان شان را به مدرسه دینی آن ها بفرستند و اگر کودکی درس را نیمه تمام رها کند، فرار نماید یا به جای دیگری برود، خانه و دارایی شان را آتش خواهند زد و مواشی شان را به امارت تسلیم خواهند کرد.»¹³⁷

مصاحبه شونده دیگر با اشاره به شکنجه شدن یک بزرگ اسماعیلی در ولایت بدخشان به دلیل مقاومت در برابر انتقال کودکان به مدارس طالبان گفته است:

«... طالبان به زور کودکان و فرزندان اسماعیلیان را از روستاها به مدرسه «الفتح» در مرکز ولسوالی درواز می برند. یکی از بزرگان محلی اسماعیلیان از طالبان خواست که شما ملا و یا مولوی تعیین کنید بیاید در منطقه ما، و ما تمام مصارف شان را نیز پرداخت می کنیم ولی کودکان و فرزندان خود را به آن مدرسه نمی فرستیم. به خاطر همین حرف، جمعه خان فاتح او را پیش خود خواست و تا حد مرگ لت و کوب و شکنجه کرد. حتا می خواستند او را اعدام کنند که باشندگان محل میانجی گری کردند و مانع شدند.»¹³⁸

136 . هیأت معاونت سازمان ملل متحد، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جولای - سپتامبر ۲۰۲۵، ص ۶. <https://unama.unmissions.org/update-human-rights-situation-afghanistan> july-sept-2025

137 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

138 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

”

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد استفاده طالبان از زور برای فرستادن کودکان اسماعیلی به مدارس اهل سنت چنین توضیح داده است:

«در ولایت بدخشان، کودکان ما را به مسجد می‌برند و برای‌شان مذهب سنی را آموزش می‌دهند. از هر ابزار و روشی استفاده می‌کنند تا ما را مجبور کنند که فرزندان خود را به مدارس آن‌ها بفرستیم، حتی پشت دروازه‌های ما افراد مسلح طالبان می‌آیند و کودکان را به زور با خود می‌برند. البته این کار با هدایت بزرگان محلی‌شان انجام می‌شود.»¹³⁹

هم‌چنین، طالبان در ولایت بدخشان به خانواده‌هایی که از فرستادن فرزندان‌شان به مدارس دینی امتناع می‌ورزند، پرداخت نقدی تا ۲۰۰ هزار افغانی تعیین نموده‌اند. در این مورد یک تن از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

”

«چندین نفر از اعضای خانواده ما را به زور به مدرسه بردند و برای‌شان فقه حنفی را آموزش می‌دهند. روش آن‌ها اول طوری بود که کودکان ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ساله را دو-سه سال پیش شامل مدرسه‌های خود کردند اما نتوانستند عقاید و باورهای مذهبی آن‌ها را تغییر بدهند. در نهایت ترفند دیگری به کار بردند، این بار از کودکان ۷ ساله شروع کردند چون ذهن کودکان در این سن و سال مانند کاغذ سفید است و هرچه بخواهند می‌توانند روی آن بنویسند. سپس در میان مردم ترس ایجاد کردند و گفتند که اگر کودکان‌شان را در همین سن و سال به مدارس آن‌ها نفرستند، یکصد و پنجاه تا دو صد هزار افغانی جریمه خواهند شد. این اتفاق بارها در قریه‌ی ما رخ داده است. حتی تعدادی از خانواده‌ها مجبور شدند کار و زندگی‌شان رها نموده و به ولایت‌های دیگر فرار کنند، چون کودکان‌شان را به زور به مدارس می‌بردند.»¹⁴⁰

”

مصاحبه‌شونده دیگر روایت کرده است که:

«دیشب به بدخشان تماس گرفته بودم، طالبان پسر یکی از اقارب ما را به اجبار به مدرسه دینی خود برده‌اند تا فقه حنفی را به او تدریس کنند؛ یعنی واضح بگویم او را برده‌اند تا مذهبش را تغییر بدهند. یکی دیگر از اقارب ما می‌خواست پسرش را از مدرسه دینی طالبان بیرون کند، اما گپ به جای کشید که مسئولان همان مدرسه گفتند اگر می‌خواهید که پسران را از مدرسه بیرون کنید، باید مبلغ صد هزار افغانی پرداخت کنید... طالبان کودکان اسماعیلی را که به سن ۱۲ سالگی می‌رسند با اجبار به مدارس دینی خود می‌برند و تربیت می‌کنند. من حدود ۵-۶ خانواده را در ولسوالی شکی ولایت بدخشان می‌شناسم که طالبان فرزندان‌شان را به زور برده تا در مدارس دینی خود فقه حنفی را به آن‌ها آموزش بدهند. وضعیت بسیار خطرناک است و خانواده‌ها چاره‌ای جز این کار ندارند.»¹⁴¹

139. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

140. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

141. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۳ نوامبر ۲۰۲۵.

۲- تشویق به یادگیری فقه حنفی

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طالبان برای آموزش فقه حنفی به کودکان و جوانان اسماعیلی به ابزارها و شیوه‌های گوناگونی متوسل شده‌اند، که یکی از این روش‌ها تشویق و ترغیب خانواده‌ها می‌باشد. در این مورد یک تن از مصاحبه‌شوندگان از ولایت بغلان گفته است:

«من شخصا شاهد اجبار کودکان اسماعیلی به یادگیری فقه حنفی نبوده‌ام، اما شاهد تبلیغات و تشویق خانواده‌های اسماعیلی برای فرستادن فرزندان‌شان به مدارس اهل سنت بوده‌ام. به‌طور مثال در شهر پلخمری ولایت بغلان تعدادی از روحانیون اهل سنت در منطقه مربوط به اسماعیلیان و شیعیان تبلیغ می‌کردند و به جوانان شیعه اعم از اسماعیلیه و ۱۲ امامی می‌گفتند که اگر در مدارس جهادی ایجاد شده در مراکز ولایات درس‌های فقه حنفی را بخوانید، در آینده می‌توانید در ادارات دولتی استخدام شوید، قاضی شوید و یا در بخش‌های مختلف ادارات کار کنید. آن‌ها مثال‌هایی می‌آوردند و می‌گفتند که فلان نفر که مدرک تحصیلی لیسانس یا ماستری دارد بیکار است اما قاری‌ها و وظایف خوب دارند.»^{۱۴۲}

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت بدخشان اظهار داشته است:

«فرزندان ما را تشویق می‌کنند که بروند مذهب حنفی را بیاموزند. نیروهای طالبان به جماعت‌خانه‌های ما می‌آیند و ارزش‌های مذهبی ما را به تمسخر می‌گیرند و تلاش می‌کنند که فرزندان ما را به مساجد اهل سنت ببرند که در آن جا آموزش ببیند.»^{۱۴۳}

اجبار کودکان اسماعیلی به آموزش فقه حنفی، چنانکه در اظهارات مصاحبه‌شوندگان این تحقیق برجسته شده است، با هدف تغییر مذهب و باورهای دینی آن‌ها صورت گرفته است؛ اقدامی که نقض صریح آزادی مذهبی و مفاد مندرج در کنوانسیون حقوق کودک به‌شمار می‌رود.^{۱۴۴}

ب- اجبار اسماعیلیان به تغییر مذهب

بررسی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طالبان در مدت چهار سال گذشته و به‌ویژه در ولایت‌های بدخشان و بغلان به‌صورت سازمان‌یافته و هدفمند برای تغییر مذهب اسماعیلیان و تحمیل مذهب سنی اقدام کرده‌اند. آن‌ها برای این کار، از روش‌های مبتنی بر اجبار، تهدید، شکنجه، ارباب و دیگر اشکال خشونت استفاده کرده‌اند. تمامی مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که طالبان با بکارگیری شیوه‌های مختلف فشار، تلاش کرده تا اسماعیلیان را به تغییر مذهب خودشان و پذیرش مذهب سنی وادار نمایند. روایت مصاحبه‌شوندگان نه تنها بر اساس شنیده‌ها بلکه مبتنی بر مشاهده و تماس مستقیم با قربانیان بوده است. چنان‌که ۷ نفر اظهار داشته که با افرادی که تحت فشار طالبان مجبور به تغییر مذهب شده، صحبت کرده‌اند. ۱۰ نفر دیگر نیز گفته‌اند که برخی از این افراد را از نزدیک می‌شناسند و یا با آن‌ها در یک محل زندگی کرده‌اند. همین‌طور یک نفر گفته که پس از تهدید، لت و کوب و آزار و اذیت با هدف تغییر مذهب، خانه و محل زندگی‌اش را ترک نموده و یک نفر دیگر اظهار داشته که طالبان با تهدید و پیشنهاد پول، تلاش کرده‌اند او را به پذیرش مذهب سنی وادار کنند.

۱۴۲. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

۱۴۳. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

۱۴۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸ و کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۳۰.

اطلاعات بدست آمده هم چنان نشان می دهد که بخش عمده ی تلاش ها برای تغییر مذهب پیروان اسماعیلیه و تحمیل مذهب سنی بر آنان، در ولایت بدخشان و در ولسوالی های دروازاها متمرکز بوده است. بر اساس روایت های مصاحبه شوندگان، این روند به صورت هدفمند و سازمان یافته و عمدتاً تحت هدایت جمعه خان فاتح یک فرمانده محلی طالبان در این ولایت، انجام شده است. تمامی مصاحبه شوندگان به طور مشخص به وضعیت بدخشان اشاره نموده و نام این فرمانده محلی را به عنوان عامل اصلی اجبار اسماعیلیان به تغییر مذهب ذکر کرده اند.

”

در این مورد یک مصاحبه شونده چنین روایت کرده:

«یک تن از فرماندهان محلی طالبان با افراد مسلح خود که وابسته به جمعه خان فاتح می باشند، ساعت ۱۲ بجه شب به خانه ام آمدند، مرا از خانه بیرون کشیدند و گفتند باید مذهب ات را تغییر بدهی. من پاسخ دادم که تمام عمر و از چند نسل پیرو مذهب اسماعیلیه بوده ام حالا اگر کشته هم شوم از مذهب و باورهای خود بر نمی گردم. بعد آن ها با قنذاق تفنگ و چوپ تا توانستند مرا لت و کوب کردند، به اندازه ای که تمام بدنم سیاه شده بود. می گفتند تو کافر هستی، مذهب شما حق نیست و باید کلمه بخوانید و مسلمان شوید. آن ها که قرآن شریف را حتا از رو خوانده نمی توانند مسلمان اند، اما من که قرآن شریف را با ترجمه و معنا یادم دارم از نظر آن ها کافر هستم... وضعیت به جای رسید که خانواده ام گفتند بار دیگر تو را می کشند خوب است که اینجا را ترک کنیم، به همین خاطر منطقه را ترک کردیم.»¹⁴⁵

”

مصاحبه شونده ی دیگر با بیان اینکه به شهرت و معلومات مرتبط با افرادی که تحت اجبار طالبان مذهب خود را تغییر داده اند دسترسی دارد، گفته است:

«از زمان تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، بیش از ۳۰۰ نفر از اسماعیلیان در ولایت بدخشان از ولسوالی های درواز تا شغنان و اشکاشم، و از واخان تا وردوج به دلیل فشار، تهدید، اجبار یا تحت تأثیر روایت طالبان، مذهب خود را تغییر داده اند. من نام و مشخصات تمام این افراد را دارم که از کدام ولسوالی ها و از هر ولسوالی چند نفر هستند... البته طالبان علناً اجبار در تغییر مذهب را نمی پذیرند، چنانکه جمعه خان فاتح در یک مصاحبه خود گفته بود که ما هیچ کسی از اسماعیلیان را به اجبار به مذهب حنفی دعوت نکرده ایم؛ آن ها خود شان حقیقت را پیدا کردند و مسلمان شده اند. اما پس از این اظهارات به صورت مسلح به خانه های اسماعیلیانی رفتند که مجبور به ترک مذهب خود شده بودند و آن ها را تهدید کردند که اگر این سخنان را تأیید نکنند، کشته خواهند شد. به همین دلیل این افراد مجبور شدند بگویند که هیچ کسی بر آن ها فشار وارد نکرده و خود شان این تصمیم را گرفته اند. حالا پرسش اساسی این است که چرا همان اسماعیلیانی که به قول جمعه خان فاتح حقیقت را پیدا کرده، در طول شصت یا هفتاد سال زندگی خود آن را پیدا نکرده بودند که پس از تسلط طالبان و حاکمیت جمعه خان فاتح ناگهان حقیقت را پیدا کردند؟... طالبان نمی گویند که اسماعیلیان باید به مذهب حنفی بگرایند بلکه می گویند چون اسماعیلیان کافر هستند باید کلمه بخوانند و مسلمان شوند.»¹⁴⁶

145 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

146 . رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد تجربه خود توضیح داده است که: «از ولسوالی‌ها و مناطق هم‌جوار ما تعدادی را مجبور کردند که مذهب خود را تغییر بدهند، حتا بارها از من با تهدید و پیشنهاد پولی خواستند که مذهبم را تغییر بدهم. اگر وضعیت همین گونه ادامه پیدا کند و نهادهای بیرونی نسبت به ما بی‌توجه باشند، ممکن است تا چند سال آینده همه‌ی ما را مجبور نمایند که مذهب خود را تغییر بدهیم.»¹⁴⁷

”

مصاحبه‌شونده دیگر در همین مورد اظهار داشته است: «این دروغ است که جمعه خان فاتح در تلویزیون محلی بدخشان گفت که اسماعیلیان به زور نه بلکه با تصمیم و اراده خود تغییر مذهب داده‌اند. همه‌ی این‌ها روایت‌سازی است، آن‌ها با زور و شکنجه اسماعیلیان را مجبور به تغییر مذهب کرده‌اند. بعضی از این افراد حالا می‌ترسند که چیزی بگویند... کسانی را که به مدرسه می‌برند بدون شک عقاید آن‌ها را تغییر می‌دهند، مثل کسانی که در دیوبند و جاهای دیگر آموزش دیدند.»¹⁴⁸

”

مطابق با آنچه مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند، طالبان از روش‌های مختلف برای تغییر مذهب اسماعیلیان استفاده کرده‌اند: «یک مرد اسماعیلی در یک حادثه‌ی ترافیکی فرد دیگری را کشته بود. وقتی پرونده‌اش به دادگاه رسید، قضات طالبان به او گفته بودند که اگر مذهب خود را ترک کنی هیچ مشکلی نیست و تو را برائت خواهیم داد؛ اما اگر این کار را نکنی شدیداً مجازات می‌شوی، چون تو یک مسلمان را به قتل رسانده‌ای و دیه مسلمانی که توسط یک کافر کشته شده باشد، بسیار سنگین است. سپس این فرد از زندان رها شد، البته این چیزی است که مردم می‌گویند، اما من معلومات موثق دارم که یک ملا به زندان آمده و سرش کلمه خوانده و یک جلد قرآن شریف نیز به او تحفه داده است. مدتی که او در زندان بوده، مجبور شده است که با روش مذهب حنفی وضو بگیرد و پنج وقت نماز بخواند.»¹⁴⁹

”

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است که: «طالبان محلی در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان یک تن از پیروان مذهب اسماعیلیه را که شغل چوپانی داشت به تغییر مذهب وادار کردند. مدرسه «احسن المدارس» برای مردم دعوت نامه فرستادند که در عنوان آن نوشته شده بود «بسوی نور». او را به یک مسجد بردند و در یک محفل به گردنش گل انداختند و دوباره سرش کلمه خواندند. سپس این فرد را قریه به قریه برده و به مردم نشان دادند و گفتند که او تازه مسلمان شده است. این کار برای سایر پیروان مذهب اسماعیلیه بسیار سنگین تمام شد.»¹⁵⁰

147 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

148 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

149 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

150 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، اکتبر ۲۰۲۵.

پیامدهای تغییر اجباری مذهب و آموزش کودکان اسماعیلی در مدارس دینی طالبان

با توجه به یافته‌های این تحقیق و آن‌چه از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان بدست می‌آید، طالبان به‌ویژه در ولایت بدخشان به‌صورت هدفمند و سیستماتیک برای آموزش فقه مذهب سنی به کودکان اسماعیلی و اجبار اعضای این اقلیت مذهبی به تغییر باورهای شان تلاش می‌کنند. استمرار چنین وضعیتی نه تنها به تضعیف و سرکوب هویت مذهبی اسماعیلیان منجر می‌شود بلکه زمینه‌ساز تقویت بنیادگرایی دینی و از بین رفتن تنوع فرهنگی در جامعه خواهد شد.

از سوی دیگر، اجبار افراد به تغییر مذهب از جدی‌ترین مصادیق نقض حقوق بشر و کرامت انسانی افراد به‌شمار می‌رود و با توجه به سایر محدودیت‌ها و اشکال گوناگون تبعیض که در بخش‌های پیشین این گزارش مطرح شد، اجبار اسماعیلیان به تغییر مذهب و پذیرش مذهب سنی، بخشی از حمله سازمان‌یافته و هدفمند طالبان علیه این اقلیت مذهبی می‌باشد که می‌تواند مصداق صریح آزار مذهبی سیستماتیک و جنایت علیه بشریت تلقی گردد.¹⁵¹

مصاحبه‌شوندگان نسبت به پیامدهای این اقدامات طالبان ابراز نگرانی جدی نموده و تأکید کرده‌اند که تداوم تلاش‌های برنامه‌ریزی شده‌ی طالبان برای آموزش اجباری فقه حنفی به کودکان اسماعیلی و اجبار اعضای این جامعه به تغییر مذهب، منجر به سرکوب و حتا نابودی این هویت مذهبی خواهد شد. یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است که:

«بیش از سیصد کودک اسماعیلی در مدارس دینی طالبان تحت آموزش‌های اجباری مذهبی قرار دارند. این سیصد کودک ده سال بعد زمانی که از مدارس دینی طالبان فارغ شوند هر کدام به یک نیروی کاملاً افراطی تبدیل خواهند شد، حتا بدتر و خطرناک‌تر از پسر ملا عمر یا هر طالب دیگر. از آنجا که طالبان از یک طرف آزادی اجرای مناسک مذهبی اسماعیلیان را محدود کرده و از طرف دیگر کودکان این اقلیت مذهبی را هدف آموزش‌های اجباری فقه حنفی قرار می‌دهند، به‌صورت استراتژیک و سازمان‌یافته به دنبال تغییر وضعیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه اسماعیلیه می‌باشند.»¹⁵²

علاوه‌براین، مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«وقتی به کودکان اسماعیلی در مکاتب و مدارس آموزش‌های دینی داده می‌شود که با مذهب خودشان متفاوت است، آن‌ها از فرهنگ و هویت مذهبی خود دور می‌شوند و ممکن است در آینده بسیار افراطی تربیت شوند.»¹⁵³

همین‌طور یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«یک تن از اقارب ما در ولایت بدخشان در مقابل پیشنهاد وظیفه، به طالبان پیوست و مذهب‌اش را تغییر داد حالا او رفتار و روابط خانوادگی‌اش چنان تغییر کرده که فکر نمی‌کنی همان آدم قبلی باشد. او حتا به زنش اجازه نمی‌دهد که به خانه برادرش برود و

151. اساننامه رم، دادگاه جزایی بین‌المللی، (۱۷ جولای ۱۹۹۸)، ماده (۱)۷ (ج) و ماده (۲)۷ (ز)، بند ۸.

152. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

153. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، ۴ اکتبر ۲۰۲۵.

”

می‌گوید چون ما مذهب اسماعیلیه را ترک کردیم حالا برادرش نامحرم می‌باشد. حتا وقتی پدرش فوت کرد وصیت‌اش این بود که مراسم تشییع جنازه‌اش را بر اساس آئین مذهبی اسماعیلیه برگزار کند اما این فرد قبول نکرد و با زور، خلاف خواست اعضای خانواده خود با روش فقه حنفی پدرش را تشییع جنازه کرد و حتا به اسماعیلیان اجازه نداد که در صف اول نماز بایستند. یعنی وقتی این افراد مذهب خود را تغییر می‌دهند باید با سایر اعضای جامعه اسماعیلیه دشمنی اعلام کنند و این شرط اصلی تغییر مذهب است.»¹⁵⁴

تهدید، ترس و نگرانی‌های امنیتی

۲۴ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که اسماعیلیان به دلیل هویت مذهبی خود همواره در معرض تهدید، ترس و نگرانی‌های امنیتی قرار دارند. در این میان، ۶ نفر اظهار داشته که شخصا تجربه تهدید را داشته و نیز ۱۳ نفر دیگر به مواردی از تهدید علیه سایر افراد اشاره کرده‌اند.

”

یک تن از مصاحبه‌شوندگان روایت کرده است:
«من اخبار مربوط به وضعیت اسماعیلیان را پوشش می‌دهم. به همین دلیل چندین بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفتم و یک بار زخمی نیز شدم. آخرین بار زمانی که به ولایت خود رفته بودم، چندین نفر بالای خانه‌ام حمله مسلحانه کردند، آن‌ها قصد کشتن من را داشتند اما من موفق به فرار شدم.»¹⁵⁵

”

مصاحبه‌شونده دیگر که توسط یک فرمانده محلی طالبان تهدید و مورد لت و کوب قرار گرفته بود گفته است که:

«دو سال قبل جمعه خان فاتح به خانه‌ام نفر فرستادند و به من گفتند که تو کافر هستی و باید مذاهبات را تغییر بدهی و اگر این کار نکنی تو را می‌کشیم. به همین خاطر من وظیفه، خانه و محل زندگی‌ام را ترک نموده و به یک جای دیگر فرار کردم. افراد او یک اسماعیلی دیگر را که کارمند یک مؤسسه بود بسیار لت و کوب کردند، می‌خواستند او را بکشند اما وی فرار کرد. با یک نفر دیگر چند روز پیش تلفنی صحبت کردم او نیز به خاطر این تهدیدات منطقه را ترک کرده است.»¹⁵⁶

”

مصاحبه‌شونده دیگر با اشاره به نگرانی‌های امنیتی که اسماعیلیان دارند، گفته است:
«یک نگرانی امنیتی سراسری و جمعی در میان جامعه اسماعیلیه وجود دارد، به همین دلیل تعداد قابل توجهی از این مردم در جریان چهار سال گذشته افغانستان را ترک نموده و به کشورهای مختلف دیگر فرار نموده‌اند.»¹⁵⁷

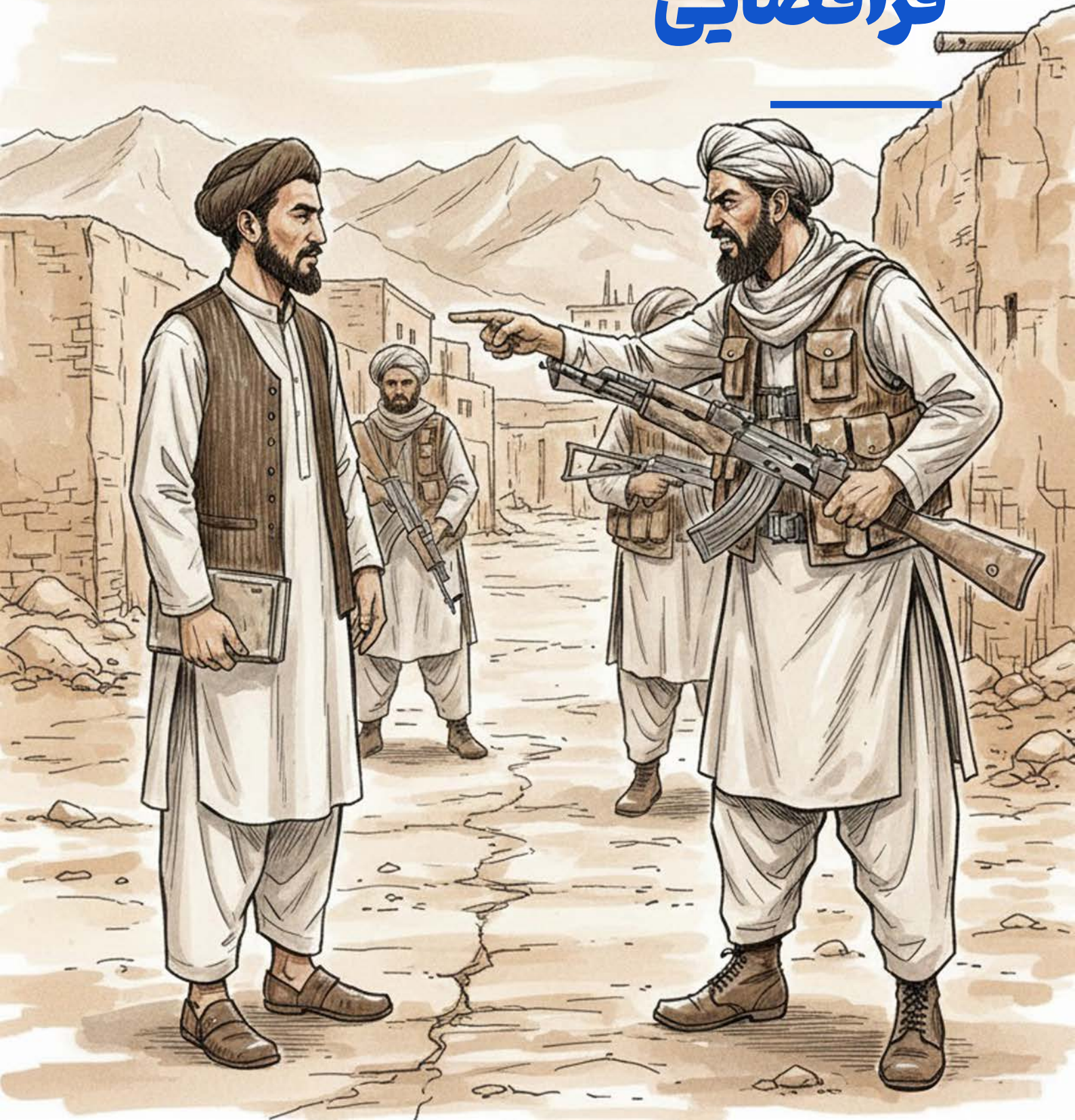
154 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵.

155 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵.

156 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵.

157 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

قتل‌های مشکوک و فراقضایی



۲۳ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق اظهار داشته‌اند که افرادی از جامعه اسماعیلیه را می‌شناسند و یا درباره آن‌ها اطلاعاتی دارند که طی چهار سال گذشته به صورت مشکوک و فراقضایی به قتل رسیده‌اند. بررسی این اظهارات نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان به طور مشترک به دست کم ۴ مورد مشخص از قتل‌های فراقضایی مربوط به اعضای این اقلیت مذهبی اشاره کرده‌اند.

”

در این مورد، یک تن از این مصاحبه‌شوندگان چنین روایت کرده است: «یک تن از فرماندهان محلی طالبان و فعلا والی یک ولایت، از قنصل آقا خان در ولایت بدخشان که بر اساس وظایف و دستورالعمل‌های مذهبی فعالیت می‌کرد، خواسته بود تا فعالیت‌های مذهبی خود را کم کند. وی این فرد را در مراسم تشیع جنازه یکی از بزرگان اسماعیلی به صورت مستقیم تهدید کرده بود. زمانی که او به این دستور طالبان عمل نکرد، فرمانده مذکور چهار نفر را یک شب به خانه‌اش فرستاد و او را به قتل رساند. در یک مورد دیگر، یک دانشجوی فعال اسماعیلی که با نهادها و شبکه‌های جامعه مدنی خارج از کشور ارتباط و همکاری داشت در خوابگاه خود در مرکز ولایت بدخشان کشته شد.»¹⁵⁸

”

یک مصاحبه‌شونده دیگر در باره قتل این قنصل گفته است: «من شخصا با منابع نزدیک به این فرد صحبت کرده‌ام. او به خاطر دفاع از مذهب، مردم و خانواده‌اش، توسط طالبان محلی تهدید شده بود. به باور افراد نزدیک به او، طالبان او را به قتل رسانده اما کسی به خاطر ترس و نگرانی‌های امنیتی چیزی گفته نمی‌توانستند. بستگان او به خوبی می‌دانند که در روزهای پیش از این رویداد با چه کسانی دیدار کرده، با چه کسانی صحبت داشته و توسط کدام افراد تهدید شده بود. حتی تعدادی از افراد به او هشدار داده بودند که جان‌ش خطر است.»¹⁵⁹

”

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر نیز که با افراد نزدیک به این قنصل ملاقات نموده چنین اظهار داشته است:

«... منابع نزدیک او به ما گفتند که طالبان بارها به او گفته بودند که نباید به جماعت‌خانه برود و جماعت‌خانه آن‌ها باید مسجد تبدیل شود و ملا امام داشته باشد و باید نماز هم پنج وقت برگزار شود. سه وقت دعای اسماعیلیان باید تعطیل شود اما این فرد در برابر خواست طالبان ایستادگی کرده و گفته بود که این کار را نمی‌کند. طالبان تهدید کردند که ما برنامه خود را تطبیق می‌کنیم و شاید تو نباشی. وقتی نهاد آقاخان از این وضعیت آگاه شد از او خواست که به کابل برود و آن‌ها زمینه خارج شدن از کشور را برایش فراهم خواهند کرد. بستگان این فرد به ما گفتند که تمام اهالی منطقه از او خواسته بودند که باید برود و گرنه کشته خواهد شد، اما او قبول نکرد و بالاخره کشته شد.»¹⁶⁰

رواداری به اطلاعات مستندی دست یافته است که نشان می‌دهد این فرد به دلیل فعالیت‌های مذهبی خود از جمله اصرار بر ادای نماز توسط زنان اسماعیلی در جماعت‌خانه‌ها، توسط اداره امر به معروف طالبان در ولایت بدخشان، به مدت سه روز بازداشت شده بود.

158 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲ اکتبر ۲۰۲۵.

159 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۱ نوامبر ۲۰۲۵.

160 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵.

”

همین‌طور، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درباره قتل یک بزرگ اسماعیلی در ولایت بغلان گفته است:

«در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان یک تن از بزرگان اسماعیلی توسط مردان مسلح ناشناس به قتل رسید. مردم محل بر این باورند که این قتل انگیزه‌ی مذهبی دارد اما به دلیل نگرانی‌های امنیتی به صورت علنی درباره آن اظهار نظر کرده نمی‌توانند.»¹⁶¹

”

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«یک فرد اسماعیلی که از کابل به ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان رفته بود، در روستای قریه اشرف توسط یک فرمانده محلی طالبان از موتر پایین آورده شد و به قتل رسید. در دوره اول حکومت طالبان نیز آن‌ها یک برادرزاده همین فرد و یک اسماعیلی دیگر را زیر شکنجه کشته بودند. آن زمان طالبان ۸۰ نفر از اسماعیلیان را دستگیر و شکنجه کرده بودند که از میان آن‌ها این دو نفر به قتل رسیدند. پدر این فرمانده محلی در دوره اول حکومت طالبان، عضو این گروه بود که در کابل کشته شد. خانواده آن‌ها فکر می‌کنند که پدر شان توسط این فرد اسماعیلی به قتل رسیده بود و حالا آن‌ها انتقام خود را گرفته است. هم‌چنین یک اسماعیلی دیگر که در بازار محل با یک فرد وابسته به طالبان در جریان یک بحث مذهبی با هم مشاجره لفظی کرده بودند، شب همان روز در نزدیکی خانه‌اش به قتل رسید.»¹⁶²

”

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد قتل محافظ یک جماعت‌خانه در ولایت بدخشان گفته است:

«یک محافظ جماعت‌خانه در ولسوالی زیباک به صورت مشکوک به قتل رسید. صبح وقتی مردم برای ادای نماز به جماعت‌خانه مرکزی ولسوالی زیباک رفتند متوجه شدند که محافظ این جماعت‌خانه حلق‌آویز شده و به قتل رسیده است. او با هیچ کسی دشمنی و خصومت نداشت اما هیچ معلوم نشد که چه کسی این کار را کرده است. طالبان یک تعداد از مردم محل را برای ادامه تحقیقات بردند که گویا شما قبلاً با این فرد اختلافات داشتید و عامل این قتل هستید، اما عامل اصلی معلوم نشد و خانواده این فرد هم تا حالا چیزی نگفته است.»¹⁶³

161 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، اکتبر ۲۰۲۵.

162 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵.

163 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵.

تبعیض مبتنی بر جنسیت و مذهب علیہ زنان اسماعیلی



هرچند که زنان افغانستان از تمامی گروه‌های قومی و مذهبی و صرفاً به دلیل جنسیت خود، هدف سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سختگیرانه‌ای طالبان قرار گرفته و به این ترتیب از حقوق و آزادی‌های انسانی خود از جمله حق آموزش، حق کار و حق گشت و گذار آزادانه محروم شده‌اند؛ اما چنان‌که یافته‌های این تحقیق نشان داده است زنان متعلق به اقلیت مذهبی اسماعیلیه در معرض تبعیض دوگانه و پیچیده‌تر قرار گرفته‌اند. این زنان علاوه بر تجربه‌ی تبعیض به دلیل هویت جنسیتی خود، به سبب هویت مذهبی و قومی خود نیز اشکال شدیدتر و پیچیده‌تری از محرومیت و نقض حقوق بشر را متحمل شده‌اند.

با این وجود، ۱۸ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که زنان اسماعیلی در جریان چهار سال گذشته، در مقایسه با سایر زنان افغانستان، در معرض مجموعه‌ای از تبعیض و محدودیت‌های مضاعف قرار داشته‌اند.

محدودیت دسترسی به آموزش‌های مذهبی، ممانعت از اجرای آزادانه مناسک مذهبی، آزار و اذیت به خاطر نوع پوشش و اعمال محدودیت‌های متعارض با ارزش‌های فرهنگی و سنت‌های جامعه اسماعیلی، از مواردی‌اند که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کرده‌اند. در این میان تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز گفته‌اند که این محدودیت‌ها به خصوص در مورد حق آموزش، حق کار و حق گشت و گذار آزادانه به‌طور یکسان و فراگیر بر تمامی زنان افغانستان فارغ از هویت قومی و مذهبی آنان تأثیر وارد کرده است.

بر مبنای احکام و آموزه‌های معاصر مذهب اسماعیلیه، زنان و مردان در حوزه‌های مانند تصمیم‌گیری و مشارکت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و احوال شخصیه و به‌ویژه در مورد حق میراث و ازدواج، با هم برابر می‌باشند.^{۱۶۴} از این رو، با توجه به قرائت سخت‌گیرانه و متفاوت طالبان از اسلام، زنان اسماعیلی در حوزه‌های یاد شده و با توجه به آزادی‌های قبلی خود، تبعیض بیشتری را تجربه کرده‌اند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفته است:

«قبلاً زنان و مردان اسماعیلی در کنار هم در بخش‌های زراعت و کشاورزی کار می‌کردند. مثلاً اگر در یک خانه مرد مصروف کار زراعت و کشاورزی میشد خانم‌اش مواشی را به چراگاه‌ها می‌برد، اما فعلاً طالبان این فضا را به شدت محدود کرده و به زنان اجازه‌ی بیرون شدن از خانه را نمی‌دهند. هم‌چنین، زنان اسماعیلیه در انتخاب نوع پوشش خود آزادی داشتند اما اکنون باید چادری بپوشند و پوشش مورد نظر طالبان را داشته باشند. تعدادی از دختران محل به من گفتند که یک روز ماموران امر به معروف در شهر فیض آباد ولایت بدخشان حتا چادر و دامن ما را بالا کردند تا ببینند که پتلون نپوشیده باشیم.»^{۱۶۵}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«از چندین قضیه اطلاع دارم که طالبان در ولایت بدخشان به روستاها رفته و زنان را هنگام کار و کمک با شوهران شان در زراعت و کشت و کار، لت و کوب کرده‌اند. طالبان به این زنان می‌گفتند چرا چادری نمی‌پوشید در حالی‌که در آن منطقه چادری مرسوم نیست و بسیاری از زنان حتا آن را نمی‌شناسند.»^{۱۶۶}

۱۶۴ . شبکه توسعه آقاخان، (KDN)، «برابری جنسیتی»، <https://www.akdn.org/our-work/gender-equality>.

۱۶۵ . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

۱۶۶ . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵.

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درباره خودکشی یک دختر اسماعیلی پس از آزار و اذیت توسط طالبان، چنین روایت کرده است:

«ما سخت‌گیری زیادی نداریم و زنان اسماعیلی در مورد نوع پوشش خود آزادی دارند... در سال ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) یک دختر اسماعیلی در شهر کابل خودکشی کرد. طالبان این دختر را در منطقه تایمنی به خاطر نوع پوشش‌اش در ملا عام شلاق زدند و سپس او را با خود به اداره امر به معروف بردند. زمانی که رها شد و به خانه بازگشت، یک هفته بعد خودکشی کرد و این کار چنان بی‌سر و صدا انجام شد که حتا همسایگان غیر اسماعیلی او نیز از این واقعه با خبر نشدند.»¹⁶⁷

”

مصاحبه‌شونده دیگر با اشاره به هویت قومی زنان اسماعیلی اظهار داشته است که: «زنان اسماعیلی به خصوص با هویت قومی هزاره در معرض تبعیض بیشتر و شدیدتر قرار دارند. یک بار به خاطر هویت مذهبی خود و بار دیگر به خاطر هویت قومی خود... بر اساس احکام مذهبی اسماعیلیان، زنان در کنار مردان بدون هیچ محدودیتی می‌توانند در عبادتگاه‌ها حضور داشته باشند و در زیر یک سقف نماز بخوانند. اما در حال حاضر طالبان به زنان اسماعیلی اجازه‌ی حضور در عبادتگاه‌ها را نمی‌دهند.»¹⁶⁸

”

مصاحبه‌شونده دیگر در مورد عدم دسترسی به مراکز آموزشی مذهبی گفته است: «آموزش‌های مذهبی اسماعیلیان معمولاً در جماعت‌خانه‌ها و «بیت العلم‌ها» صورت می‌گیرد اما به دلیل تغییراتی که بعد از سال ۲۰۲۱ آمده است، دختران اعم از کوچک و بزرگ از حق دسترسی به این مراکز محروم شده‌اند. به‌طور مثال خواهر کوچک من هم‌زمان از رفتن به مکتب و آموزش‌های مذهبی محروم شده است در حالیکه در مدارس طالبان این طور نیست و زنان می‌توانند در سنین مختلف و تا سطوح بالاتر درس بخوانند.»¹⁶⁹

”

در همین مورد مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است: «طالبان محل در قریه ما بسیار سخت‌گیری می‌کنند. به همین دلیل زنان از همه حقوق خود محروم شده‌اند، حتا به دختران ما از صنف اول اجازه رفتن به مکتب را نمی‌دهند. از روزی که آن‌ها به قدرت رسیده‌اند، مکتب ابتدائیه ما مسدود شده است.»¹⁷⁰

167 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

168 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

169 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، ۴ اکتبر ۲۰۲۵.

170 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۳، ۵ نوامبر ۲۰۲۵.

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«از نظر عمومی وضعیت زنان اسماعیلی تفاوتی با وضعیت سایر زنان افغانستان ندارد؛ اما مشکلی که دختران جوان ما دارند این است که وقتی به سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی می‌رسند و دیگر نمی‌توانند به مکتب بروند، نمی‌توانند به مدارس و آموزش‌های مذهبی خود هم دسترسی داشته باشند. در حالی‌که این محدودیت برای دختران متعلق به سایر گروه‌های مذهبی وجود ندارد؛ یعنی وقتی آن‌ها از رفتن به مکتب محروم می‌شوند، می‌توانند به مدارس دینی بروند و آموزش‌های مذهبی خود را ادامه بدهند. هرچند بیت‌العلم‌ها (مراکز آموزشی اسماعیلیان) فعال هستند اما دختران ما اجازه‌ی رفتن به آن‌جا را ندارند و این موضوع می‌تواند در آینده به تضعیف باورهای مذهبی زنان اسماعیلی منجر شود.»¹⁷¹

بی جاشدگی اجباری و غصب ملکیت اسماعیلیان



میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق بر سطح زندگی مناسب و حق مسکن را برای همه افراد به رسمیت شناخته و تضمین کرده است.¹⁷² با این حال، مطابق با تفسیر عمومی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هرگونه تخلیه اجباری بدون جبران خسارت مناسب و خارج از روند قانونی، نقض صریح حقوق بشر به‌شمار می‌رود. بر اساس این تفسیر، بی‌جا شدگی اجباری شامل مواردی نیز می‌شود که افراد تحت فشار، تهدید و شرایط غیرقابل تحمل مجبور به ترک خانه‌های خود می‌شوند.¹⁷³ هم‌چنین، بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه تبعیض بر اساس مذهب در برخورداری از حقوق مندرج در این میثاق ممنوع بوده و همه افراد باید به‌صورت برابر از حمایت‌های قانونی برخوردار شوند. بنابراین، بی‌جا شدگی اجباری و غصب ملکیت اقلیت‌های مذهبی از مصادیق تبعیض و نقض اصول بنیادین حقوق بشر به‌شمار می‌رود.¹⁷⁴

بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شماری از شیعیان اسماعیلی در جریان چهار سال گذشته، به‌ویژه از ولایت‌های بدخشان و بغلان در پی فشارها، تهدید و ترس از ناامنی بی‌جا شده‌اند. هم‌چنین، طی این مدت ملکیت‌های آنان در ولایت‌های یاد شده به‌صورت خودسرانه و خارج از روندهای قانونی غصب شده است که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد.

بی‌جا شدگی اجباری

۱۵ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در جریان ۴ چهار سال گذشته، شماری از خانواده‌های اسماعیلی به دلیل تبعیض، تهدید، خشونت، احساس ناامنی و ترس از آزار و اذیت، خانه و محل زندگی خود را ترک نموده‌اند. در این میان ۳ تن از مصاحبه‌شوندگان گفته که شخصا به دلیل تجربه تبعیض، آزار و اذیت، اجبار به تغییر مذهب و تحمیل آموزش فقه حنفی، محل زندگی خود را ترک کرده‌اند. چنانکه یک تن از مصاحبه‌شوندگان روایت کرده است:

«تعداد زیادی از مردم به دلیل تبعیض، غصب ملکیت و تهدید فیزیکی مجبور شده‌اند وطن و محل زندگی خود را ترک کنند. در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان قبلاً حدود ۴۰۰۰ خانواده اسماعیلی زندگی می‌کردند اما اکنون ۱۰۰۰ خانواده هم نمانده است. هر کسی که توانستند منطقه را ترک کردند چون آینده‌ی برای خود نمی‌بینند و این روند هم چنان ادامه دارد.»¹⁷⁵

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«وقتی می‌بینم بچه‌ها از ولایت بدخشان به کابل آمده و با خویشاوندان و اقارب خود زندگی می‌کنند می‌پرسم چرا اینجا آمده‌اند می‌گویند که از ترس طالبان محلی فرار کرده‌اند، از ترس این که مبدا فردا طالب شوند یا مجبور به ترک مذهب خود گردند. حتی برخی از خانواده‌های ساکن در شهر کابل نیز تعدادی از اعضای خانواده‌های شان را به پاکستان فرستاده‌اند تا آن‌جا در مصونیت زندگی کنند.»¹⁷⁶

172 . میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۱.

173 . کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۷، حق بر مسکن مناسب: تخلیه اجباری، (۱۹۹۷)، بندهای ۳ و ۵.

174 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۶.

175 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵.

176 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۳۱ اکتبر ۲۰۲۵.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان توضیح داده است که افراد مسلح ناشناس شماری از اسماعیلیان را تهدید کرده‌اند که باید خانه و زمین خود را ترک کنند:

«در ولسوالی تاله و برفک هرچند بیشتر مردم به دلیل ترس منطقه را ترک کرده‌اند؛ اما مواردی نیز وجود دارد که شبانه افراد مسلح به خانه‌های اسماعیلیان رفته و آن‌ها را تهدید کرده که باید خانه و زمین‌های شان را ترک کنند. به‌طور مثال یک تن از پیروان مذهب اسماعیلیه که بارها تهدید شده بود که باید منطقه و خانه و زمین‌اش را ترک کند، اعلام کرده بود که تحت هیچ شرایطی حاضر نیست خانه و زمین‌اش را ترک کند. بالاخره این فرد شبانه توسط افراد ناشناس به قتل رسید، مردم محل برای شکایت به ادارات طالبان مراجعه کردند اما هیچ گونه رسیدگی صورت نگرفت.»¹⁷⁷

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«طالبان محلی در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان، به دو تن از اعضای جامعه اسماعیلیه اخطار داده بودند که باید زمین و خانه‌های خود را ترک کنند، اما زمانی که آن‌ها این خواست را نپذیرفتند و مقاومت نشان دادند، به‌صورت مشکوک به قتل رسیدند. هم‌چنین، یک اسماعیلی دیگر از همین ولایت که رفته بود تا زمین خود را از اجاره نشین قبلی بگیرد و به فردی دیگری واگذار کند، نیز کشته شد. طالبان تا حالا هیچ گونه تحقیقی انجام نداده و نیز هم کسی را در پیوند با این قتل‌ها بازداشت نکرده‌اند. علاوه‌براین، چندین نفر دیگر در نتیجه شلیک مرمی توسط افراد مسلح ناشناس زخمی شده و از منطقه فرار کردند.»¹⁷⁸

غصب ملکیت متعلق به اسماعیلیان

۱۲ تن از مجموع مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گزارش داده‌اند که ملکیت‌های متعلق به اسماعیلیان طی چهار سال گذشته عمدتاً در ولایت‌های بدخشان و بغلان بدون هرگونه مجوز رسمی و خارج از روند قانونی غصب شده است.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد روایت کرده است:

«قوماندان امنیه ارغنج‌خواه شبانه به خانه‌های اسماعیلیان می‌روند و می‌گویند زمین تان را مثلاً به ۲۰ میلیون افغانی می‌خرم و فردا هم از تو فیلم می‌گیریم، باید به زبان خودت بگویی که من با رضایت زمینم را به فلانی و با این قیمت می‌فروشم. اگر این کار را نکنی شب دیگر تو را خواهیم کشت. او مجبور می‌شود که قبول کند. این افراد هرگز نمی‌خواستند زمین‌های شان را بفروشند. وقتی با من صحبت می‌کردند پشت تلفن گریه می‌کردند و می‌گفتند نمی‌توانیم از خانه‌ها و زمین‌های خود محافظت کنیم، راه دیگری نداریم، یا برای زنده ماندن این کار را انجام دهیم یا مخالفت کنیم و کشته شویم.»¹⁷⁹

177. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

178. رواداری، مصاحبه‌شونده، شماره ۱۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵.

179. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۵.

”

مصاحبه‌شونده دیگر با اشاره به انگیزه‌های مذهبی در غصب ملکیت اسماعیلیان گفته است:

«تعداد زیادی از دکان‌های اسماعیلیان در مرکز ولسوالی اشکاشم به بهانه‌های مختلفی غصب شده است. در حالیکه آن‌ها این ملکیت‌ها را قبلاً خریداری کرده بودند و سند قانونی داشتند. انگیزه‌ی این کار مذهبی است زیرا پیروان سایر مذاهب نیز در همان محل دکان دارند اما از آن‌ها غصب نشده است. هم‌چنین در ولسوالی واخان ملکیت‌های متعلق به اسماعیلیان تحت عنوان استملاک یا اینکه ملک دولتی بوده است بدون حکم محکمه از آن‌ها گرفته شده است.»¹⁸⁰

”

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد غصب و تخریب گسترده زمین‌های متعلق به شیعیان اسماعیلی در ولایت بدخشان به خاطر معدن طلا، چنین روایت کرده است:

«به خاطر طلا، سرک‌ها را تخریب کردند، چراگاه‌ها و زمین‌های بایر و غیر بایر را تخریب کردند. اگر اعتراض کنی، تا حد مرگ شکنجه‌ات می‌کنند. جبران خساره هم نمی‌دهند، یک سرباز عادی می‌آید خانه‌تان را ویران می‌کند و کسی چیزی هم گفته نمی‌تواند. همین یک سال پیش در منطقه زمین دره، زمین‌های زراعتی متعلق به اسماعیلیان را گرفتند و حالا کندن کاری می‌کنند. چراگاه‌های مردم را که به هکتارها زمین می‌رسد، تخریب کردند. تهدید دیگر این کار آفت‌های طبیعی است زیرا همه جاها را کندن کاری کردند و اگر سیل بیاید تمام قریه را با دار و ندار شان با خود می‌برد. جمعه خان فاتح و برادرش موسی شهریار این زمین‌ها را غصب کرده‌اند، تمام جاها تحت کنترل این فرد است... هر جا که طلا پیدا کرد، نمی‌پرسد که این زمین زراعتی است، خانه است، سرک است، درخت‌های مثمر و یا غیرمثمر است، فقط غنمیت گفته کندن کاری می‌کند.»¹⁸¹

180 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۷ اکتبر ۲۰۲۵.

181 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۵.

محدودیت‌های دسترسی به عدالت



ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که همه در برابر دادگاه‌ها و نهادهای عدلی مساوی هستند. هر کس حق دارند که به شکایت او به صورت منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود. همین‌طور در ماده ۲۶ این میثاق بر اصل برابری همه افراد در مقابل قانون و منع هرگونه اشکال تبعیض از جمله تبعیض مذهبی تأکید شده است.¹⁸²

با این وجود، ۲۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که در حال حاضر به شکایات پیروان مذهب اسماعیلیه در نهادهای عدلی و قضایی به‌طور منصفانه رسیدگی صورت نمی‌گیرد. از این میان ۱۰ آن‌ها تأکید کرده که اعضای این جامعه به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به احوال شخصیه خود به دادگاه‌های طالبان مراجعه نمی‌کنند.

مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که نهادهای یاد شده تمامی پرونده‌های جزایی و حقوقی مربوط به اعضای این اقلیت مذهبی را بر اساس فقه حنفی حل و فصل می‌کنند؛ در حالی که تفاوت‌های بزرگی به‌ویژه در مسایل مربوط به احوال شخصیه میان فقه اسماعیلی و فقه حنفی وجود دارد. از سوی دیگر، شماری از این مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که دادگاه‌های طالبان به شهادت پیروان اهل تشیع اعتبار نمی‌دهند. چنان‌که یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«محاکم طالبان در ولایت بغلان در مجموع به شهادت پیروان اهل تشیع اعتبار نمی‌دهند. به‌طور مثال چند وقت پیش خانه یکی از پیروان تشیع دوازده امامی مورد سرقت قرار گرفت. زمانی که پرونده به محکمه طالبان ارجاع شد، صاحب خانه فردی را برای ادای شهادت همراه خود برده بود، اما قضات طالبان شهادت او را نپذیرفتند و اعلام کردند که شرط شاهد عادل بودن است و شرط عدالت مسلمان بودن است، بنابراین باید شاهد سنی مذهب بیاوری. در یک مورد دیگر یک فرد اسماعیلی در برابر انصراف از حق میراث برادرش به او مبلغ ۶۰۰۰۰ دالر پرداخت کرده بود. سه سال بعد آن‌ها دوباره اختلاف پیدا کردند و دعوا به محکمه طالبان رسید. یکی از طرفین شهادی را به محکمه برد اما قضات طالبان شهادت او را نپذیرفتند. در محاکم بغلان این رویه بسیار شایع است. من موارد متعددی را هم در دیوان جزای محکمه مرافعه و هم در دیوان محکمه شهری دیده‌ام که قضات از پذیرفتن شهادت پیروان مذهب شیعه خودداری می‌کنند.»¹⁸³

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«من خودم به محکمه مراجعه نکرده‌ام، اما مواردی از تبعیض علیه پیروان مذهب اسماعیلیه را دیده‌ام. به‌طور نمونه یک بار شاهد رسیدگی به یک قضیه در محاکم کابل بودم، در اتهام نامه درباره متهم نوشته شده بود که او از پیروان مذهب اسماعیلیه نیز هست. یعنی این موضوع عملاً به عنوان یکی از دلایل جرم علیه او نوشته شده بود.»¹⁸⁴

182 . میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴ و ماده ۲۶.

183 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

184 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵.

برخی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که بر اساس احکام معاصر مذهب اسماعیلیه زنان در تمامی عرصه‌ها از جمله در مورد حق میراث از حقوق برابر با مردان برخوردار می‌باشند، اما دادگاه‌های طالبان در این مورد بر اساس فقه حنفی فیصله می‌کنند. یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«در مذهب ما زنان برابر با مردان از حق میراث برخوردار اند و همین‌طور در سایر موارد نیز هیچ برتری به مردان نسبت به زنان داده نشده است. هرگاه در باره مسایل مربوط به احوال شخصیه از جمله حق میراث اختلافی میان اسماعیلیان به وجود بیاید، «اداره جلب رضایت و داوری آقاخان» بر اساس احکام مذهبی اسماعیلیه به آن اختلاف رسیدگی می‌کند. اما طالبان این فیصله‌ها را نقض می‌کنند و می‌گویند که احکام مذهبی اسماعیلیه‌ها اشتباه است و آن‌ها کافر هستند چون در شریعت اسلامی زنان نصف حق میراث مردان را دارند. بنابراین، آن‌ها این موارد را بر اساس فقه حنفی فیصله می‌کنند.»¹⁸⁵

”

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق، پس از بازگشت طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱، اقلیت مذهبی اسماعیلیه در افغانستان با سرکوب و آزار مذهبی سیستماتیک مواجه شده است. چنانکه اجبار کودکان اسماعیلی به فراگیری فقه حنفی و وادار نمودن اعضای این جامعه به پذیرش مذهب سنی از طریق ارباب، بازداشت، شکنجه و تهدید به قتل، از جمله اقداماتی است که طالبان در جریان چهار سال گذشته به صورت هدفمند و مستمر انجام داده اند.

افزون براین، حذف اسماعیلیان از سطوح تصمیم‌گیری در ادارات دولتی، ممانعت از اشتغال یا اخراج آنان از نهادهای دولتی به دلیل هویت مذهبی شان، افزایش تبلیغات منفی، تکفیر علنی، نفرت‌پراکنی و سایر اشکال تبعیض کلامی، بخش دیگری از سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوب گرایانه طالبان علیه این اقلیت مذهبی بوده است.

اعمال محدودیت بر آزادی اجرای مناسک مذهبی و فعالیت عبادتگاه‌ها و همین‌طور تهدید، قتل‌های فراقضایی، بی‌جا شدگی اجباری و غصب املاک و دارایی‌های متعلق به جامعه اسماعیلیه از دیگر مواردی اند که پیامدهای عمیقی بر امنیت، کرامت انسانی و وضعیت حقوق بشری آنان برجای گذاشته است. موارد یاد شده نشان می‌دهد که اقدامات طالبان برای تضعیف و سرکوب هویت مذهبی جامعه اسماعیلیه در افغانستان، ماهیتی سازمان‌یافته دارد، زیرا طی چهار سال گذشته به صورت گسترده انجام شده و تمامی عرصه‌ها و ابعاد زندگی اعضای این اقلیت مذهبی را تحت تاثیر قرار داده است. از این رو، آنچه در حال حاضر نسبت به اسماعیلیان افغانستان روا داشته می‌شود، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت محسوب شود که با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر مسئولیت‌های سنگینی را متوجه طالبان به عنوان گروه حاکم بر افغانستان می‌سازد.

از سوی دیگر، در حال حاضر هیچ چارچوب قانونی مشخص برای تضمین آزادی‌های مذهبی در افغانستان وجود ندارد و طالبان نه تنها به تعهدات قانونی خود بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر عمل نمی‌کنند بلکه با برداشت سختگیرانه و ایدئولوژیک از اسلام، هرگونه افکار و عقاید مذهبی متفاوت را سرکوب می‌کنند. بنابراین، توقف آزار مذهبی سیستماتیک علیه جامعه اسماعیلیه در افغانستان مستلزم به کارگیری مؤثر مکانیسم‌های بین‌المللی می‌باشد.

پیشنهادات

رواداری، بر اساس یافته‌های این گزارش، برای گزارش دهی بیشتر در مورد وضعیت حقوق بشری اسماعیلیان افغانستان، تأمین پاسخگویی و حمایت از اعضای این جامعه موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:

به مقامات حاکم

- افغانستان به اسناد متعدد و الزام‌آور بین‌المللی حقوق بشر پیوسته است که آزادی مذهبی را تضمین می‌کنند؛ بنابراین، از طالبان به عنوان گروه حاکم بر این کشور می‌خواهیم که به وظیفه‌ی قانونی خود برای رعایت و اجرای مفاد و تعهدات مندرج در این اسناد عمل کنند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که بدون تاخیر به سیاست‌ها و اقدامات محدود کننده‌ی آزادی مذهبی در افغانستان پایان داده و از نقض حقوق بشری اعضای جامعه اسماعیلیه جلوگیری کنند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که به آموزش‌های اجباری مذهب سنی برای کودکان اسماعیلی هرچه سریع‌تر پایان داده و حق والدین آن‌ها در انتخاب نوع و محتوای آموزش فرزندان شان مطابق معیارهای بین‌المللی حقوق بشر محترم بشمارند.
- اجبار اعضای جامعه اسماعیلیه به تغییر مذهب و تحمیل مذهب سنی بر آنان از شدیدترین مصادیق نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و می‌تواند پیامدهای جدی حقوقی برای مرتکبان به همراه داشته باشد. از این‌رو، از مقامات حاکم می‌خواهیم که در مورد پیگرد و مجازات و مسئولان محلی خود که در چنین اعمالی دست داشته اند، اقدام کنند.

به سازمان ملل و جامعه جهانی

- جامعه اسماعیلیه بخشی مهم و جدایی ناپذیر هویت فرهنگی و تمدنی افغانستان به‌شمار می‌رود و حمایت از آن‌ها برای تقویت صلح، همدیگر پذیری، پیشرفت و توسعه پایدار این کشور ضروری و اجتناب ناپذیر است. بنابراین، از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که اقدامات موثر و عملی را برای جلوگیری از سرکوب این اقلیت مذهبی اتخاذ و اجرا نمایند.
- همان گونه که یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد، پیروان مذهب اسماعیلیه در افغانستان، به‌صورت سازمان یافته در معرض اشکال گوناگون تبعیض و نقض حقوق بشر قرار دارند. به همین دلیل، از سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای ذیصلاح بین‌المللی انتظار برده می‌شود که در چارچوب اسناد و تعهدات بین‌المللی، آزار و اذیت مبتنی بر مذهب علیه اسماعیلیان را به رسمیت بشناسند.
- هم‌چنین ضروری است که سازمان ملل متحد با فعال سازی سازوکارهای نظارتی و استفاده از دیگر راهکارها و اقدامات حقوقی، از تداوم و تشدید سرکوب اعضای جامعه اسماعیلیه در افغانستان جلوگیری نمایند.
- به گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در افغانستان پیشنهاد می‌کنیم که در مورد وضعیت حقوق بشری اقلیت اسماعیلیه در افغانستان، گزارش تهیه نموده و یافته‌های خود را با رسانه‌ها و دیگر مراجع ذیربط در میان بگذارد.
- از سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای مرتبط می‌خواهیم که احترام به حقوق اقلیت‌های مذهبی و به‌ویژه تضمین جلوگیری از سرکوب جامعه اسماعیلیه در افغانستان را پیش شرط هرگونه تعامل سیاسی و دیپلماتیک با طالبان قرار دهند.
- از کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان خواست می‌شود که به پرونده‌های پناهندگی اعضای جامعه اسماعیلیه که به دلیل ترس از تعقیب و آزار مجبور به فرار شده‌اند، اولویت

بدهد.

- از کشورهای مهاجر پذیر نیز درخواست می‌کنیم که با در نظر گرفتن خطرات جدی که اسماعیلیان افغانستان با آن روبرو هستند، از درخواست‌های پناهندگی آنان حمایت کنند.
- هم‌چنین، از جامعه جهانی می‌خواهیم که با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و سیاسی، طالبان را ملزم سازند که به آزادی‌های مذهبی و تعهدات افغانستان در مورد رعایت مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر احترام بگذارند.

به سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها

- از سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها انتظار می‌رود که با جمع‌آوری اسناد، شواهد و گزارش‌های معتبر، در مستندسازی تبعیض، خشونت و نقض حقوق بشری جامعه اسماعیلیه در افغانستان، نقش مؤثر و فعال ایفا نمایند.
- هم‌چنین، از سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها می‌خواهیم که با استفاده از ابزارهای دادخواهی و راه‌اندازی برنامه‌های آگاهی‌دهی، با هرگونه تبلیغات منفی، نفرت‌پراکنی مذهبی و تکفیر اسماعیلیان در افغانستان مبارزه نموده و نقش فعالی در ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا کنند.
- پاسخگو ساختن عاملان تبعیض و آزار مذهبی سیستماتیک علیه اسماعیلیه‌ها مستلزم هماهنگی و همسویی نهادهای ذیربط می‌باشد. از این‌رو، از سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها می‌خواهیم که در تأمین عدالت و پیگیری مسئولیت مرتکبان نقض حقوق بشر، به‌صورت هماهنگ و همسو اقدام کنند.

